

ناشنیده‌هایی دربارهٔ

قدرت و شکوه زن

در کلام امام‌زاده‌ها و رهبری

با مقدمه علی‌رضا پناهیان



بیان معنوی



«قدرت و شکوه زن»

در کلام امام و رهبری»

یک مجموعه هفت قسمتی است که
توسط واحد پژوهشی «بیان معنوی»
گردآوری، برگزیده و دسته‌بندی شده
و برای اولین بار منتشر و به نسل
جوان و به ویژه بانوان تقدیم می‌شود.

Bayanmanavi.ir

فهرست

۵ مقدمه

۶ مادر، پایه بهشتی شدن انسان‌ها

- شغل تربیت فرزند، از همه شغل‌ها بالاترست
- پایه بهشتی شدن هرکس از مادر است!
- تربیتی که بچه از مادر می‌گیرد تا آخر عمر با او هست، مگر...
- اسلام می‌خواهد بچه‌ها دست مادر را حتماً ببوسند

۱۰ زن، مبدأ «همه» خیرات

- زن مبدأ «همه» خیرات است
- ما نهضت خودمان را مرهون زن‌ها می‌دانیم
- مردها به تبع زن‌ها در خیابان‌ها می‌ریختند
- زن‌ها هستند که ملت‌ها را تقویت و شجاع می‌کنند
- زن تنها خود به راهی نمی‌رود، مردها را هم در آن راه می‌برد

۱۲ سعادت و شقاوت کشورها به دست زنان

- سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است
- مرحله اولی مرد و زن صحیح، از دامن زن است
- اگر شما زن‌ها خوب شدید، هم مردها خوب می‌شوند، هم بچه‌ها
- کلید تداوم انقلاب دست زن‌هاست
- نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است
- من شما [بانوان] را به رهبری قبول دارم!
- خدمت مادر به جامعه از خدمت همه کس بالاتر است

۱۵ کمبود محبت مادری، منشأ اغلب مفاسد عالم

- اگر شما [بانوان] را کشانند به ادارات، وبچه‌هایتان را به جاهایی که بچه نگهداری می‌کنند سپردید، عقده در او پیدا می‌شود
- این عقده‌ها منشأ «همه یا اکثر» مفاسد است!
- دزدی‌ها، آدم‌کشی‌ها، خیانت‌ها از این عقده‌ها پیدا می‌شود
- بچه‌ای که از مادرش جدا شد، پیش هر که باشد، عقده پیدا می‌کند
- محبت مادری لازم دارد بچه

۱۹ شغل اصلی زن

- شغل اصلی زن، زن خانه بودن است و این تجلیل زن است
- نان درآوردن مطلقاً جزو وظایف زن نیست!
- تایپ، کارمندی و فروشنگی، فعالیت «اجتماعی» نیست!
- زن، فروشنده‌گی سوپرمارکت و کارمندی اداره را بگذار مرد برود بکند
- اشرف کارها در عالم، مادر بودن و تربیت اولاد است
- عنصر اصلی تشکیل خانواده، زن است، نه مرد

۲۲ قدرت زن در مدیریت همسران

- «همسر» برای یک مرد بزرگ، کاری را می‌کند که «مادر» برای «یک بچه کوچک»
- در محاسبات نهایی، زن را قوی‌تر از مرد می‌دانم! این یکی از اسرار خلقت است
- خانم‌ها بدانند: آقایان تا آخر هم مثل یک «پسر بچه» هستند و باید اداره‌شان کنید
- زن‌ها می‌توانند با «تدبیر» و با «ظرافت»، مرد را در دست خودشان بچرخانند؛ این واقعیت قابل اثبات است

۲۵ اجر زنان بیش از مردان

- اجر زن‌ها بیشتر از مردهاست
- خاطره فراموش‌نشده‌ی امام از یک «دختر ایرانی شجاع با روحی بزرگ!»
- عظمت و معنویت این دختر بزرگ را هیچ شاعر و عارفی نمی‌تواند بیان کند!

۲۹ چکیده مطالب

مقدمه

حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) پیش از اینکه یک رهبر سیاسی باشند و عملاً وارد اقامهٔ دین در جامعه شده باشند، از جهت علمی یک اسلام‌شناس به تمام معنا بودند که عصارهٔ معارف دین را در می‌توانیم در کلمات بلند و نگاه ژرف او مشاهده کنیم و با اطمینان خاطر او را مفسر و مبین اسلام ناب محمدی بدانیم.

مقام معظم رهبری نیز پس از ایشان با حفظ تمام جهت‌گیری‌ها و ژرف‌نگری‌های حضرت امام (ره) به ادامهٔ تبیین اسلام حقیقی پرداختند و ذره‌ای از مواضع عالمانه و فقیهانهٔ امام فاصله نگرفتند، بلکه آن را پیش بردند. البته شناخت ایشان از اسلام به عنوان یک عالم زمان‌شناس، سال‌ها قبل از قرار گرفتن در موقعیت ولایت و رهبری جامعه، در مباحث و دیدگاه‌هایشان نمایان شد؛ به حدی که در همان زمان با برخورداری از جامع‌نگری و حکمت به طرح دیدگاه‌هایی پرداختند که هنوز در جامعهٔ ما تازگی و اهمیت خود را حفظ کرده است.

این دو عالم و حکیم برجسته در مناسبت‌های مختلف در کسوت رهبری و امامت جامعه همواره با تبیین معارف دین به هدایت معنوی مردم و فرهنگ جامعه پرداخته‌اند و بهترین فرصت برای درک هرچه عمیق‌تر و دقیق‌تر معارف اسلامی را برای محققین فراهم آورده‌اند. بی‌تردید این فرصت فوق‌العاده مهم در کسب معرفت را نباید از دست داد و باید به کمک دقت در فرمایشات امامین انقلاب، به بسط اندیشهٔ اسلام ناب اقدام کرد. نباید با ساده‌انگاری و سطحی‌نگری از کنار کلمات این دو بزرگوار عبور کنیم و به دلیل هم‌عصر بودن، از تعمق و تدبر در کلمات‌شان کوتاهی نماییم. با وجود این‌همه نیاز ما به این دو منبع غنی، وقتی به سراغ نوشته‌ها و سخنان‌شان می‌رویم، بسیاری از آنها هنوز با گوش‌های زن و مرد ما ناآشناست، و جایگاه لازم را در فرهنگ و فکر مردم زمانهٔ ما پیدا نکرده است.

یکی از موضوعات بسیار مهم و چالش برانگیز، زن و موقعیت او در خانواده و جامعه است. **زنان نه تنها نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند، بلکه بخش موثرتر برای سعادت جامعه نیز هستند.** امام راحل و مقام معظم رهبری، در مناسبت‌های مختلف به گونه‌ای جایگاه زن را تبیین و تجلیل کرده‌اند، که مدعیان طرفداری از حقوق زن در مقابل چنین تجلی‌درمانده می‌شوند.

هر دو بزرگوار نقش باشکوه و قدرتمندانهٔ رهبری در جامعه را برای زنان قائل هستند و ما را به اندیشیدن در توانایی‌ها و نعمت‌های ویژهٔ الهی که در زنان به ودیعه گذاشته شده است وامی‌دارند. تأمل در فرمایشات ایشان، برتری این نگاه و تحلیل را نسبت به بسیاری از نگاه‌ها و تحلیل‌های دینی و برون‌دینی دیگران نشان می‌دهد؛ و راهنمای روشنی برای ترسیم مسیر رشد و ارتقاء فرهنگ جامعه در اختیار ما قرار می‌دهد. **این فرمایشات علاوه بر تأثیر تربیتی بر خواننده‌گان به‌ویژه بانوان، می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای در معرفی نگاه اسلام به زن در جهان به جای بگذارد.**

اگر ما این فرمایشات را به زبان‌های زندهٔ دنیا ترجمه و معرفی کرده بودیم، زنان عالم را شیفتهٔ نگاه بلند امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای نسبت به جایگاه زن کرده بودیم، و طبق فرمایش امام (ره)، بزرگترین گام‌ها را برای صدور انقلاب و زمینه‌سازی ظهور برداشته بودیم.

علیرضایپناهیان

مادر، پایه بهشتی شدن انسان‌ها

- شغل تربیت فرزند، از همه شغل‌ها بالاترست
- پایه بهشتی شدن هر کس از مادر است!
- تربیتی که بچه از مادر می‌گیرد تا آخر عمر با او هست، مگر...
- اسلام می‌خواهد بچه‌ها دست مادر را حتماً ببوسند

شما خانم‌ها به طوری که حالا خودتان می‌گویید معلم هستید؛ دو شغل شریف دارید. شما خانم‌ها دو تا شغل بسیار شریف دارید. یکی شغل تربیت فرزند، که این از همه شغل‌ها بالاتر است. یک فرزند خوب شما اگر به جامعه تحویل بدهید، برای شما بهتر است از همه عالم. اگر یک انسان شما تربیت کنید، برای شما به قدری شرافت دارد که من نمی‌توانم بیان کنم. پس شما یک شغل‌تان این است که بچه‌های خوب تربیت کنید. دامن مادرها دامن‌ی است که «انسان» از آن باید درست بشود. یعنی اول مرتبه تربیت، تربیت بچه است در دامن مادر؛ و برای اینکه علاقه بچه به مادر بیشتر از همه علایق هست و هیچ علاقه‌ای بالاتر از علاقه مادری و فرزند نیست. بچه‌ها از مادر بهتر [مسائل] را اخذ می‌کنند. آنقدری که تحت تأثیر مادر هستند، تحت تأثیر پدر نیستند، تحت تأثیر معلم نیستند، تحت تأثیر استاد نیستند. از این جهت بچه‌هایتان [را] در دامن‌تان تربیت اسلامی، تربیت انسانی بکنید تا وقتی تحویل می‌دهید شما این بچه را به دبستان، یک بچه صحیح، اخلاق خوب، آداب خوب؛ آنطور تحویل بدهید. (صحیفه امام، ج ۸، ص: ۹۰ - در جمع

بانوان فرهنگی و معلم - ۲۱ خرداد ۱۳۵۸)

انبیا آمده‌اند که انسان درست کنند، انبیا مأمورند که افراد را - افرادی که بشر هستند و از همین با حیوانات فرق ندارند - آمده‌اند که این‌ها را انسان کنند؛ تزکیه کنند، مزگی کنند؛ پاکیزه کنند. شغل انبیا همین است و باید شغل مادرها همین باشد نسبت به بچه‌هایی که در دامنشان هست. بچه‌ها را از آن اول که در دامنشان هست تزکیه کنند. آن‌ها با اخلاق خوب، با اعمال خوب در آنجا بچه‌ها بهتر تربیت می‌شوند. در دامن مادر، بچه‌ها بهتر تربیت می‌شوند تا در پیش استاد. آن علاقه‌ای که بچه به مادر دارد به هیچ کس ندارد. و آن چیزی که در بچگی از مادر می‌شنود یا می‌بیند، آن نقش می‌بندد در قلبش؛ و تا آخر همراهش هست. مادرها باید توجه به این معنا بکنند که این بچه‌ها را خوب تربیت کنند، مزگی تربیت کنند؛ یک مدرسه علمی - ایمانی باشد دامن‌هایشان، و این یک مطلب بسیار بزرگی است که از مادرها می‌آید. و از کس دیگر نمی‌آید که بچه از مادر چیز می‌شنود از پدر نمی‌شنود.

- شغل تربیت فرزند، از همه شغل‌ها بالاتر است
- تأثیر «مادر» بیشتر از پدر، معلم و استاد

- دامن مادر مبدأ خیرات و شرور
- آن چیزی که در بچگی از مادر می‌شنود یا می‌بیند، آن نقش می‌بندد در قلبش؛ و تا آخر! همراهش هست!
- این یک مطلب بسیار بزرگی است که از مادرها می‌آید. و از کس دیگر نمی‌آید
- آن قدری که بچه از مادر چیز می‌شنود از پدر نمی‌شنود

دارد در بچه کوچولوی نارس و به او منتقل می‌شود از دیگران نمی‌شود، مادرها مبدأ خیراتند و اگر خدای نخواستہ مادری باشد که بچه را بد تربیت کند، مبدأ شرورند.

(صحیفه امام، ج ۹، ص ۱۳۶ - ۲۶ تیر ۱۳۵۸)

بچه در محیط خانوادگی، در دامن مادر و در محیط خانه مبدأ تربیت اصلی‌اش است، اگر در محیط خانه و در دامن مادر، که بالاترین محل تربیت است، بچه خوب از کار درآمد، این تا آخر - مگر یک عوامل بسیار قوی‌ای باشد که او را برگرداند- و آلا تا آخر به همان تربیت بچگی و کوچکی که شده است تا آخر به همان تربیت باقی می‌ماند. از این جهت محیط خانوادگی یکی از جاهای بسیار مهم است برای تربیت اولاد. و دامن مادر هم یکی از جاهای بزرگ است برای تربیت. و بچه در دامن مادر و از مادر بیشتر از هر کس، بیشتر از معلم، بیشتر از رفقای که بعدها پیدا می‌کند، بیشتر از اجتماع، در دامن مادر بیشتر قابل این است که قبول کند چیزها را. علاقه‌ای که اولاد و بچه به مادر دارد به هیچ کس ندارد. و حرف مادر را قبول می‌کند و نقش می‌شود در مغزش حرف‌های

مادر. (صحیفه امام، ج ۸، ص ۲۶۳ - ۱۱ تیر ۱۳۵۸)

- اگر در دامن مادر، که بالاترین محل تربیت است، بچه خوب از کار درآمد، این تا آخر به همان تربیت بچگی که شده باقی می‌ماند! مگر یک عوامل بسیار قوی‌ای او را برگرداند زیرا علاقه‌ای که بچه به مادر دارد به هیچ کس ندارد و حرف مادر نقش می‌شود در مغزش

- تمام آرزوهای بچه خلاصه می‌شود در «مادر»، چون به هیچ کس آن علاقه را ندارد
- بچه همه چیز را در «مادر» می‌بیند؛ «حرف»، «خُلق» و «عمل» مادر در بچه‌ها اثر دارد
- مسئول افعال و اعمال بچه‌ها هم شما هستید

شما خانم‌ها شرف مادری دارید، که در این شرف از مردها جلو هستید؛ و مسئولیت تربیت بچه در دامن خودتان دارید. اول مدرسه‌ای که بچه دارد، دامن مادر است. مادر خوب، بچه خوب تربیت می‌کند؛ و خدای نخواستہ، اگر مادر منحرف باشد، بچه از همان توی دامن مادر، منحرف بیرون می‌آید. و چون بچه‌ها آن علاقه‌ای که به مادر دارند به هیچ کس ندارند، و در دامن مادر که هستند تمام ... آرزوهایی که دارند خلاصه می‌شود در مادر و همه چیز را در مادر می‌بینند، حرف مادر، خُلق مادر، عمل مادر، در بچه‌ها اثر دارد. لامحاله یک بچه در دامن مادر- که اول کلاس است- این دامن اگر یک دامن طاهر پاکیزه مهذب باشد، بچه از همین اول که دارد رشد می‌کند، با آن اخلاق صحیح و با آن تهذیب نفس و با آن عمل خوب رشد می‌کند. بچه وقتی در دامن مادرش هست، می‌بیند مادر اخلاق خوش دارد، اعمال صحیح دارد، گفتار خوش دارد، این بچه از همان جا اعمالش و گفتارش به تقلید از مادر- که از همه تقلیدها بالاتر است- و به تزییق مادر- که از همه تزییق‌ها مؤثرتر است- تربیت می‌شود. شما این مسئولیت بزرگ را دارید که باید بچه‌های خودتان را که نوزاد هستند، و نفوسشان ... تربیت را زود قبول می‌کند، خوب و بد را زود قبول می‌کند، شما از اول که این بچه‌ها در دامن شما بزرگ می‌شوند، مسئول افعال و اعمال آن‌ها هم شما هستید.

همان طوری که اگر یک بچه خوب تربیت کنید ممکن است که سعادت یک ملت را همان یک بچه تأمین کند، اگر یک بچه بد هم- خدای نخواستہ- در

دامن شما بزرگ بشود، ممکن است که یک فساد در جامعه پیدا بشود. گمان نکنید که یک بچه است؛ یک بچه گاهی وقت‌ها در جامعه، وقتی که وارد شد، در رأس جامعه واقع می‌شود، و محتمل است که بچه یک فقیر، یکوقت در رأس جامعه واقع بشود. اگر این بچه‌ای که شما تربیت کردید یک تربیت صحیح باشد و آن وقت آن بچه در رأس جامعه واقع بشود، یک ملت را سعادت مند می‌کند؛ و آن شرفش مال شماست؛ یعنی شما این سعادت را برای یک ملت بیمه کردید. و اگر خدای نخواست به عکس باشد: یک بچه‌ای در [دامن] مادر تربیتش تربیت اسلامی نباشد، تربیت انسانی نباشد، انحراف داشته باشد، این ممکن است که بعدها یک جامعه را به فساد بکشد. خیال نکنید یک آدم است. گاهی یک آدم، یک ده [را خراب می‌کند؛ گاهی یک آدم یک شهرستان را خراب می‌کند؛ گاهی یک مملکت را خراب می‌کند. (صحیفه امام، ج ۷، ص ۲۸۴ - ۲۸۵ اردیبهشت ۱۳۵۸)]

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَ مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (انفال/64). چه خطاب افتخارآمیزی است برای مؤمنین! چه خطاب مسئولیت آوری است برای مؤمنین! افتخارآمیز برای اینکه با اینکه خدا کافی است لکن همچو تشریفی را به مؤمنین - که مؤمنات هم داخل هستند - مرحمت فرموده است که خدا و مؤمنین، کسانی که از تو تبعیت کردند، از تو کفایت می‌کنند. چقدر افتخارآمیز است برای ما، برای مؤمنین برای شما مخدرات، برای شما مؤمنات، که شما [را] در ردیف خدای تبارک و تعالی قرار داده است، و چقدر مسئولیت آور است [این خطاب... خدای تبارک و تعالی در این آیه به ما فرموده‌اند که اهداف اسلام و خود نبی اکرم و هرچه مربوط به نبی اکرم است، شماها باید کفایت کنید. ما مأموریم، مأموریم که حفاظت کنیم از دین خدا، حفاظت کنیم از اهداف الهی... خداوند به ما این مرحمت را فرموده است که «شما» با «خدا» حفاظت کنید از اسلام و از دین اسلام؛ حَسْبُكَ اللَّهُ وَ مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ...

بانوان محترم! مسئولید همه؛ مسئولیم همه. شما مسئول تربیت اولاد هستید؛ شما مسئولید که در دامن‌های خودتان اولاد متقی بار بیاورید، تربیت کنید، به جامعه تحویل بدهید. همه مسئول هستیم که اولاد را تربیت کنیم؛ لکن در دامن شما بهتر تربیت می‌شوند. دامن مادر بهترین مکتبی است از برای اولاد. مسئولیت دارید نسبت به فرزندان خود، مسئولیت دارید نسبت به کشور خودتان. و شما می‌توانید بچه‌هایی تربیت کنید که یک کشور را آباد کنند. شما می‌توانید بچه‌هایی را تربیت کنید که حفاظت از انبیا بکنند؛ حفاظت از آمال انبیا بکنند... آن‌ها را تربیت کنید... توجه به سرنوشت این‌ها بر عهده پدران است و بر عهده مادرها. مادرها بیشتر مسئول هستند؛ و مادرها اشرف هستند. شرافت مادری از شرافت پدری بیشتر است. تأثیر مادر هم در روحیه اطفال از تأثیر پدر بیشتر است

- بانوان محترم! مسئولید همه
- مادرها بیشتر مسئول هستند
- شرافت مادری از شرافت پدری بیشتر است
- تأثیر مادر هم در روحیه اطفال از تأثیر پدر بیشتر است

تأثیر پدر بیشتر است. (صحیفه امام، ج ۷، ص ۵۰۲ - صبح ۵ خرداد ۱۳۵۸)

- همه تحت تأثیر مادران هستند
- آنکه بهشتی می‌شود، پایه بهشتی شدنش از مادر است؛ الجنة تحت اقدام الأمهات» (بیانات مقام

مادر است که فرهنگ و معرفت و تمدن و ویژگی‌های اخلاقی یک قوم و جامعه را با جسم خود، با روح خود، با خلق خود و با رفتار خود، دانسته و ندانسته به فرزند منتقل می‌کند. همه تحت تأثیر مادران هستند. آنکه بهشتی می‌شود، پایه‌ی بهشتی شدنش از مادر است؛ که «الجنة تحت اقدام الأمهات». (بیانات مقام

معظم رهبری در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا(س)؛ ۵ / ۵ / ۱۳۸۴)

- باید کاری بکنیم که بچه‌ها دست مادر را حتماً ببوسند؛ اسلام دنبال این است
- در صورت محترم بودن زن در محیط خانواده، بخش مهمی از مشکلات جامعه حل خواهد شد

زن اگر چنانچه در محیط خانواده، محترم و مکرم شمرده بشود، بخش مهمی از مشکلات جامعه حل خواهد شد. باید کاری بکنیم که بچه‌ها دست مادر را حتماً ببوسند؛ اسلام دنبال این است...هیچ منافاتی ندارد این تکریم نسبت به مادر، با آن حالت عاطفی و خودمانی‌گریزی که بین فرزند و مادر وجود دارد. (بیانات مقام معظم رهبری در

دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی؛ ۱۳۹۲/۰۲/۲۱)

زن، مبدأ «همه» خیرات

- زن مبدأ «همه» خیرات است
- ما نهضت خودمان را مرهون زن‌ها می‌دانیم
- مردها به تبع زن‌ها در خیابان‌ها می‌ریختند
- زن‌ها هستند که ملت‌ها را تقویت و شجاع می‌کنند
- زن تنها خود به راهی نمی‌رود، مردها را هم در آن راه می‌برد

- مربی انسان‌ها زن است
- زن مبدأ همه خیرات است
- ما نهضت خودمان را مرهون زن‌ها می‌دانیم. مردها به تبع زن‌ها در خیابان‌ها می‌ریختند
- زن‌ها مردان را تشویق می‌کردند

مربی انسان‌ها زن است. سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می‌کند؛ و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می‌کند. مبدأ همه سعادت‌ها از دامن زن بلند می‌شود. زن مبدأ همه سعادت‌ها باید باشد. و مع الأسف زن را به صورت یک لعبه در آوردند این پدر و پسر؛ و خصوصاً این پسر. آنقدر جنایات که به زن کردند به مردان نکردند. زن مبدأ همه خیرات است. شما دیدید، ما دیدیم، که زن در این نهضت چه کرد... ما نهضت خودمان را مرهون زن‌ها می‌دانیم. مردها به تبع زن‌ها در خیابان‌ها می‌ریختند. تشویق می‌کردند زن‌ها مردان را. خودشان در صف‌های جلو بودند. زن یک همچو موجودی است که می‌تواند یک قدرت شیطانی را بشکند... (صحیفه

امام، ج ۷، ص ۲۲۸، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۸، پیام رادیو تلویزیونی به ملت ایران درباره مقام و منزلت حقیقی زن)

در نهضتی که ملت ما کردند، همه‌تان ملاحظه کردید که زن‌ها پیشقدم بودند. بلکه فعالیت زن‌ها در این باب ارزشش بیشتر از فعالیت مردها بود؛ برای اینکه همین خواهرها که ریختند در خیابان‌ها و در مقابل توپ و تانک تظاهر کردند و مشت‌گره کردند، این‌ها مردها را، قدرتشان را دوچندان کرد. وقتی مردها ببینند که خانم‌ها آمدند در مقابل توپ و تانک، آن‌ها بیشتر اقدام می‌کنند. و ما دیدیم که این خواهرها در این نهضت یک سهم بسیار بزرگ داشتند. (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۸۳)

(۸ مهر ۱۳۵۸)

الآن این نهضتی که شما در پیش دارید، و باید تشکر کنیم از خانم‌ها که در این نهضت یک قدم راسخی داشتند، و یک کمک بزرگی به ملت کردند. این خانم‌ها بودند که وقتی که به خیابان‌ها و کوچه‌ها ریختند و فریاد زدند، تشییع کردند، تشییع کردند مردها را و قدرت‌های آن‌ها را چند مقابل کردند. و لهذا شما علاوه بر اینکه خودتان را قدرتمند کردید، دیگران را هم قدرتمند کردید. (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۲۴۴)

(۱۷ مهر ۱۳۵۸)

بدون شک آنچه در این پنجاه سال روزگار سیاه ایران به دست این رژیم سیاه روی به ملت عزیز ایران بویژه بانوان مظلوم آن گذشت باطرح و نقشه از پیش حسابشده ابرجنایتکاران جهان بوده. ابرجنایتکاران دریافتند که تنها «قشر مذهبی» است که می‌تواند خار راهی در راه استعمار و استثمار آنان باشد. و دیدند که حکم نیم سطری یک مرجع مذهبی مورد علاقه مردم دارای چنان قدرتی است که دولت انگلستان و دربار قدرتمند قاجار را به زانو در آورد؛ و نیز دریافتند که زنان در آن نهضت نقش اساسی را داشتند. و متوجه شدند که در مشروطه و پس از آن نیز زنان بویژه قشر متوسط محروم آنان هستند که می‌توانند با قیام خود، مردان را به میدان بکشند. و احساس کردند که تا این عوامل به قوت خود باقی هستند نقشه‌های آنان نقش بر آب است. (صحیفه امام، ج ۱۶، ص: ۱۹۲ - ۲۵ فروردین ۱۳۶۱)

عنایتی که اسلام به بانوان دارد بیشتر از عنایتی است که بر مردان دارد. مردان بر ملت‌ها حق دارند و زن‌ها حق بیشتر دارند. زن‌ها مردان شجاع را در دامن خود بزرگ می‌کنند. قرآن کریم انسان ساز است، و زن‌ها نیز انسان ساز. وظیفه زن‌ها انسان‌سازی است. اگر زن‌های انسان‌ساز از ملت‌ها گرفته بشود، ملت‌ها شکست خواهند خورد، منحط خواهند شد. زن‌ها هستند که ملت‌ها را تقویت می‌کنند، شجاع می‌کنند... مقام زن مقام والاست؛ عالیرتبه هستند. بانوان در

اسلام بلندیایه هستند. (صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۹۹ - ۱۳ اسفند ۱۳۵۷)

- در نهضت‌مازن‌های پیش‌قدم بودند
- ارزش فعالیت زن‌های بیشتر از مردها
- وقتی خواهرها مشت‌گره کردند و... این‌ها قدرت مردها را دوچندان کرد

- این خانم‌ها بودند که وقتی به خیابان‌ها ریختند و فریاد زدند، مردها را تشییع کردند و قدرت‌های آن‌ها را چند مقابل کردند
- شما علاوه بر اینکه خودتان را قدرتمند کردید، دیگران را هم قدرتمند کردید

- ابرجنایت‌کاران فهمیدند زنان هستند که می‌توانند با قیام خود، مردان را به میدان بکشند

- زن‌ها هستند که ملت‌ها را تقویت و شجاع می‌کنند
- عنایت اسلام به بانوان بیش از مردان است

● شما خواهران اسباب این شدید که برادرها هم جرأت پیداکنند

● بعضی از جوان‌ها به من می‌گفتند که عکس‌العمل این مادرهای جوان مرده ما را گرم نگه داشته و به ما شجاعت می‌دهند

● این‌ها هستند که ما را تشویق می‌کنند

● زنان نیمی از جمعیت کشورند؛ اما تأثیرشان در سرنوشت این کشور، بیش از تأثیر نیمی از کل جمعیت است

● زن تنها خود به راهی نمی‌رود، مردها را در آن راه می‌برد

● غالباً مادران شهدا را قوی‌تر از پدران شهدا دیده‌ام

شما خواهران - بحمدالله - در این راه - در راه نهضت - سهم بسزایی دارید. شما اسباب این شدید که برادرها هم جرأت پیدا بکنند. (صحیفه امام، ج ۸، ص: ۱۱۷ - ۲۳ خرداد ۱۳۵۸)

مادرهای امروز نمونه است، خدا می‌داند. یعنی در طول تاریخ مثل این مادرها ما نداشتیم الاکم، که فرزندانش کشته بشود و بعد بیاید بگوید که نه، من افتخار دارم. بعضی از جوان‌ها به من می‌گفتند که این مادرها ما را گرم نگه داشته‌اند؛ این عکس‌العمل این مادرهای جوان مرده، ما را زنده نگه داشته و گرم نگه داشته برای اینکه این‌ها هستند که به ما شجاعت می‌دهند، این‌ها هستند که ما را تشویق می‌کنند. (صحیفه امام، ج ۴، ص ۲۶۹ - ۱۱ آبان ۱۳۵۷)

تنها مطلب این نیست که زنان نیمی از جمعیت کشورند؛ نباید به این قضیه به چشم کمیّت نگاه کرد. بله، زنان نیمی از جمعیت کشورند؛ اما تأثیر زن - تأثیر این نیم جمعیت - در سرنوشت این کشور، آن وقتی که بخواهند در سرنوشت دخالت کنند، بیش از تأثیر نیمی از کل جمعیت در سرنوشت است. یک وقت است که ما مجموعه‌ای از انسان‌ها را در نظر می‌گیریم، نیمی از آن‌ها نقشی به قدر پنجاه درصد دارند، مسأله زن در جامعه این گونه نیست؛ بالاتر از این‌هاست. اگر زنان در یک جامعه، به فکری مؤمن بشوند و در راهی قدم بگذارند و علی‌رغم موانع آن راه را ادامه بدهند، تأثیر آن‌ها بر روی فرزندان، همسران، حتی برادران و پدران‌شان، یک تأثیر تعیین کننده و سازنده است. آن که جوانان را تربیت می‌کند و در راه‌های گوناگون قرار می‌دهد - در درجه اول - مادر است. البته عوامل دیگر نقش دارند، نقش‌های زیادی هم دارند؛ اما نقش مادر از آن نقش‌ها کم‌تر نیست و در مواردی بیش‌تر است. زن تنها خود به راهی نمی‌رود، مردها را در آن راه می‌برد. اهمیت تفکر زنان در یک جامعه، در این است! (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار بانوان هرمزگان، ۲۹/۱۱/۷۶ - نقش و رسالت زن، ج ۵، ص ۴۳، انتشارات انقلاب اسلامی)

من هر جا که با مادران شهدا مواجه شده‌ام، آن‌ها را حتی از پدران شهدا هم قوی‌تر دیده‌ام. غالباً نمونه‌اش را در روحیه این مادران بزرگوار و شجاع می‌توانید ببینید. این، عظمت زن مسلمان در میدانهای سیاسی و فرهنگی است. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با خانواده‌های سرداران شهید استان تهران - ۱۳۷۶/۰۲/۱۷)

سعادت و شقاوت کشورها به دست زنان

- سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است
- مرحله اول مرد و زن صحیح، از دامن زن است
- اگر شما زن‌ها خوب شدید، هم مردها خوب می‌شوند، هم بچه‌ها
- کلید تداوم انقلاب دست زنهاست
- نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است
- من شما [بانوان] را به رهبری قبول دارم!
- خدمت مادر به جامعه از خدمت همه کس بالاتر است

شما بانوان اثبات کردید که در صف جلو هستید. شما اثبات کردید که مقدم بر مردها هستید. مردها از شما الهام گرفتند. مردهای ایران از مخدرات ایران، از بانوان ایران عبرت گرفتند و تعلیم گرفتند. و مردان قم هم از شما بانوان عزیز عبرت گرفتند و تعلیم گرفتند. شما در صف جلو نهضت هستید. اسلام به شما آنقدر احترام قائل است که برای مردها نیست. اسلام شما را می‌خواهد نجات بدهد؛ اسلام شما را می‌خواهد از این مَلْعَبَه‌ای که این‌ها می‌خواهند شما را ملعبه قرار بدهند نجات بدهد؛ اسلام می‌خواهد شما را یک انسان کامل تربیت کند که در دامن شما انسان‌های کامل تربیت بشود... شما هم باید رأی بدهید؛ شما هم فرقی با سایرین ندارید بلکه شما مقدم‌تر بر مردها، مردها در دامن شما بزرگ شدند؛ شما تربیت کننده مردها هستید. قدر خودتان را بدانید. اسلام قدر شما را می‌داند. (صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۵۷-۱۷ اسفند ۱۳۵۷) ما بسیاری از موفقیت‌ها را مرهون خدمت‌های شما بانوان می‌دانیم. شما هستید که علاوه بر آنکه خودتان فعالیت می‌کنید، فعالیت را در مردها مضاعف می‌کنید. (صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۸۳-۲۲ اسفند ۱۳۶۲)

نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است؛ برای اینکه بانوان علاوه بر اینکه خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می‌کنند. خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتر است، و از خدمت همه کس بالاتر است. و این امری است که انبیا می‌خواستند. می‌خواستند که بانوان قشری باشند که آن‌ها تربیت کنند جامعه را، و شیر زنان و شیر مردانی به جامعه تقدیم کنند..... و شما هدایت کنید مردان را و هدایت کنید و نصیحت کنید دولتمردان را. شما مادران خوبی برای اطفال باشید؛ و ناصحان خوبی برای جامعه؛ و زحمتکشان خوبی برای مستمندان، و هستید بحمدالله. (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۱۹۶-۲۵ اسفند ۱۳۵۹)

- شما اثبات کردید که مقدم بر مردها هستید
- مردها از شما الهام گرفتند
- شما تربیت کننده مردها هستید
- آنقدر که اسلام به شما احترام قائل است، برای مردها نیست

- نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است
- خدمت مادر به جامعه از خدمت همه کس بالاتر است

● صلاح و فساد یک جامعه، از صلاح و فساد زنان در آن جامعه سرچشمه می‌گیرد

● سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است
● زن یک انسان بزرگ و مربی جامعه است
● مرحله اول مرد و زن صحیح، از دامن زن است

نقش زنان در عالم از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. صلاح و فساد یک جامعه از صلاح و فساد زنان در آن جامعه سرچشمه می‌گیرد. زن، یکتا موجودی است که می‌تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان یک جامعه، بلکه جامعه‌ها به استقامت و ارزش‌های والای انسانی کشیده شوند و می‌تواند بعکس آن باشد. (صحیفه امام، ج ۱۶، ص: ۱۹۲ - ۲۵ فروردین ۱۳۶۱)

به اسم آزادی ... آزادی را از زن و مرد سلب کردند. زن‌ها و جوانان ما را فاسد الاخلاق کردند. شاه برای زن این خاصیت را قائل بود که شاه می‌گفت زن باید «فریبا» باشد! البته با آن نظر حیوانی که او داشت؛ با آن نظر جسمانی، مادی، حیوانی پست که او داشت، زن را نظر می‌کرد. باید «فریبا» باشد! از مقام انسانیت، زن را فرو کشید به مرتبه یک حیوان. به اسم اینکه برای زن می‌خواهد مقام درست کند، زن را از مقام خودش پایین آورد. زن را مثل یک عروسک درست کرد؛ در صورتی که زن انسان است؛ آن هم یک انسان بزرگ. زن مربی جامعه است، از دامن زن انسان‌ها پیدا می‌شوند. مرحله اول مرد و زن صحیح، از دامن زن است. مربی انسان‌ها زن است. سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می‌کند؛ و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می‌کند. مبدأ همه سعادت‌ها از دامن زن بلند می‌شود. زن مبدأ همه سعادت‌ها باید باشد. و مع الأسف زن را به صورت یک لعه در آوردند این پدر و پسر؛ و خصوصاً این پسر. آنقدر جنایات که به زن کردند به مردان نکردند. زن مبدأ همه خیرات است. شما دیدید، ما دیدیم، که زن در این نهضت چه کرد... ما نهضت خودمان را مرهون زن‌ها می‌دانیم. مردها به تبع زن‌ها در خیابان‌ها می‌ریختند. تشویق می‌کردند زن‌ها مردان را. خودشان در صف‌های جلو بودند. زن یک همچو موجودی است که می‌تواند یک قدرت شیطانی را بشکند... زن در زمان محمدرضا و رضا پهلوی عنصر مظلومی بود، و خودش نمی‌داند. آنقدر که ظلم در این دو زمان شد در زمان جاهلیت معلوم نیست شده باشد. آنقدر که انحطاط برای زن‌ها در این قرن شد معلوم نیست که در قرن جاهلیت شده باشد. در هر دو قرن (جاهلیت و پهلوی) مظلوم بوده‌اند زن‌ها. (صحیفه امام، ج ۷، ص ۲۳۸)

۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۸، پیام رادیو تلویزیونی به ملت ایران درباره مقام و منزلت حقیقی زن

بانوان، رهبر نهضت ما هستند، ما دنباله آن‌ها هستیم. من شما را به رهبری قبول دارم و خدمتگزار شمایم. خداوند شما را برای اسلام حفظ کند. (صحیفه امام، ج ۷، ص ۱۳۲ - ۵ اردیبهشت ۱۳۵۸)

● بانوان، رهبر نهضت ما هستند، ما دنباله آن‌ها هستیم
● من شما [بانوان] را به رهبری قبول دارم

همت کنید بر روی خواسته‌های نفسانی پا بگذارید، فقط برای خدا بخواهید. اگر شما این جور شدید همه‌مان خوب می‌شویم، هم مردهایمان هم فرزندانمان. کلید [حل] مشکل زن است؛ لذا گفتند بهشت در زیر قدم زنان است، مادران است. از اینجا شروع می‌شود، از زن‌ها شروع می‌شود. اگر شما که کلید بهشت زیر قدمتان هست، اگر شما خوب شدید-آنچور خوب‌ها- هم مردها خوب خواهند شد، هم بچه‌ها خوب خواهند شد؛ بچه‌ها یعنی دخترها و پسرها. وقتی دخترها و پسرها خوب شدند یعنی نسل آینده یکسره خوب است. می‌دانید این به چه معناست؟ به معنای تداوم انقلاب، یعنی کلید تداوم انقلاب دست شماهاست. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با خواهران پرستار واحد بسیج (۱۱/۲۰/۱۳۸۴)، نقش و رسالت زن،

ج ۵، ص ۷۷، انتشارات انقلاب اسلامی)

روز زن، یعنی نگاه درست و مبتنی بر منطق به زنان، که نیمی از جمعیت بشر را تشکیل می‌دهند؛ آن هم نیمی که اگر نگاه کاوشگر انسان بخواهد نقش آن را با نقش‌های دیگر مقایسه کند، خواهد دید که نقش این نیم، حساس‌ترین، ظریف‌ترین، ماندگارترین و مؤثرترین نقش‌ها در حرکت تاریخ انسان و در سیر بشریت به سوی کمال است. خدا زن را این‌گونه آفریده. اگر بنای آفرینش انسان و جهان را به دو بخش کارهای ظریف و ریزه‌کاری و بخش کارهای مستحکم - و به تعبیر سازندگان بناها، سفتکاری - بگذاریم، بخش اول که ظریف‌کاری‌ها و ریزه‌کاری‌ها و رشته رشته پروردن احساسات و عواطف بشر است، در اختیار زن است. گناه بزرگ تمدن مادی، تضعیف و گاهی به فراموشی سپردن این نقش

است. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مداحان و شاعران اهل بیت ۵/۱۳۸۴)

عنایتی که اسلام به بانوان دارد بیشتر از عنایتی است که بر مردان دارد. مردان بر ملت‌ها حق دارند و زن‌ها حق بیشتر دارند. زن‌ها مردان شجاع را در دامن خود بزرگ می‌کنند. قرآن کریم انسان ساز است، و زن‌ها نیز انسان ساز. وظیفه زن‌ها سازی است. اگر زن‌های انسان‌ساز از ملت‌ها گرفته بشود، ملت‌ها شکست خواهند خورد، منحط خواهند شد. زن‌ها هستند که ملت‌ها را تقویت می‌کنند، شجاع می‌کنند ... مقام زن مقام والاست؛ عالیرتبه هستند. بانوان در

اسلام بلندپایه هستند. (صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۹۹ - ۱۳ اسفند ۱۳۵۷)

- کلید حل مشکل در دست زنان است، لذا گفتند بهشت در زیر قدم مادران است
- اگر شما زن‌ها خوب شدید، هم مردها خوب می‌شوند، هم بچه‌ها
- کلید تداوم انقلاب دست شماهاست

- نقش زنان حساس‌ترین، ظریف‌ترین، ماندگارترین و مؤثرترین نقش‌ها در حرکت تاریخ انسان و در سیر بشریت به سوی کمال است
- خدا زن را این‌گونه آفریده

- عنایتی که اسلام به بانوان دارد بیشتر از عنایتی است که بر مردان دارد
- زن‌ها بیش از مردان بر ملت‌ها حق دارند
- «قرآن» انسان‌ساز است و «زن‌ها» نیز انسان‌سازند

کمبود محبت مادری، منشأ اغلب مفاسد عالم

- اگر شما [بانوان] را کشاندند به ادارات، و بچه‌هایتان را به جاهایی که بچه نگهداری می‌کنند سپردید، عقده در او پیدا می‌شود
- این عقده‌ها منشأ «همه یا اکثر» مفاسد است!
- دزدی‌ها، آدم‌کشی‌ها، خیانت‌ها از این عقده‌ها پیدا می‌شود
- بچه‌ای که از مادرش جدا شد، پیش هر که باشد، عقده پیدا می‌کند
- محبت مادری لازم دارد بچه

- بچه‌ای که از مادرش جدا شد، پیش هر که باشد، عقده پیدامی‌کند
- عقده که پیدا کرد، مبدأ بسیاری از مفاسد می‌شود
- محبت مادری لازم دارد بچه
- شغل مادر همان شغل انبیاست، این شغل بزرگ را در نظر مادرها کوچک کردند

مادرها مبدأ خیراتند و اگر خدای نخواستہ مادری باشد که بچه را بد تربیت کند، مبدأ شرورند. یک مادر ممکن است که بچه را تربیت کند و خوب تربیت کند، و آن یک بچه یک امت را نجات بدهد و ممکن است که بد تربیت کند و موجب هلاکت یک امت بشود. مع الأسف در این طول سلطنت، این‌ها کوشش کردند که مادرها را از بچه‌ها جدا کنند. به مادرها تزریق کردند که بچه داری چیزی نیست، شما توی ادارات بروید. جدا کردند این بچه‌های معصوم را که باید تربیت بشوند از دامن‌های مادر و بردند در پرورشگاه‌ها و جاهای دیگر و اشخاص اجنبی، اشخاص غیر رحیم، آن‌ها را تربیت می‌کردند، تربیت فاسد. بچه‌ای که از مادرش جدا شد پیش هر که باشد عقده پیدا می‌کند، عقده که پیدا کرد، مبدأ بسیاری از مفاسد می‌شود. بسیاری از این قتل‌هایی که واقع می‌شود روی عقده‌هایی است که پیدا می‌شود، و عقده‌ها بسیاری‌اش از این پیدا می‌شود که مادر از اولاد جدا باشد. او در یک جای دیگر؛ و او در یک جای دیگر، بچه کوچولو به مادر احتیاج دارد. مادر یک شغلی دارد که همان شغل انبیاست، این شغل بزرگ انبیا را در نظر مادرها کوچک کردند. اینکه اصلاً انبیا آمده‌اند، خدای تبارک و تعالی منت گذاشته است بر مردم به اینکه پیغمبر فرستاده است از خود مردم، تا اینکه تزکیه بکند بچه‌های مردم را. شغل انبیا این است که مردم را تزکیه بکنند، آدم بکنند، این همینی است که مادر باید بکند، همینی است که معلم باید بکند، همینی است که دانشگاه‌ها باید بکنند، از دامن مادر شروع می‌شود، ... (صحیفه امام، ج ۹، ص ۱۳۷ - ۲۶ تیر ۱۳۵۸)

- بچه‌ای که در پرورشگاه بزرگ شود، عقده پیدا می‌کند
- مبدأ یک عقده بزرگ، جدا کردن بچه از مادر است
- محبت مادری لازم دارد بچه

شما خانم‌ها به طوری که حالا خودتان می‌گویید معلم هستی؛ دو شغل شریف دارید. شما خانم‌ها دو تا شغل بسیار شریف دارید. یکی شغل تربیت فرزند، که این از همه شغل‌ها بالاتر است. یک فرزند خوب شما اگر به جامعه تحویل بدهید، برای شما بهتر است از همه عالم ...

پس یک شغل، شغل تربیت اولاد است؛ که مع الأسف در آن حکومت طاغوتی این شغل را می‌خواستند از این مادرها بگیرند. تبلیغ کردند به اینکه زن چرا بچه داری بکند ... این شغل شریف را منحطش کردند در نظر مادرها؛ برای اینکه می‌خواستند که مادرها از بچه‌ها جدا بشوند، بچه‌ها را ببرند در پرورشگاه‌ها بزرگ کنند؛ مادرها هم علی‌حده بروند یک کارهایی که آن‌ها دلشان می‌خواهد بکنند و بچه در پرورشگاه وقتی که بزرگ بشود، یک بچه‌ای که در دامن مادر بزرگ بشود نیست؛ عقده پیدا می‌کند. وقتی بچه در پرورشگاه و بدون مادر با اجنبی بخواهد سر و کار داشته باشد و محبت مادر از سر او کم بشود، این بچه عقده پیدا می‌کند. بسیاری از این مفسده‌هایی که در جامعه واقع می‌شود، از این بچه‌هایی هستند که عقده دارند؛ از این انسان‌هایی هستند که عقده دارند. مبدأ یک عقده بزرگ، این جدا کردن بچه از مادر است. محبت مادری لازم دارد بچه. بنابراین، این شغل که شغل انبیا است و انبیا هم آمدند برای اینکه انسان درست کنند، این شغل اول شما هست؛ در اول تربیت بچه. و چون شما معلم

هستید، ... (صحیفه امام، ج ۸، ص: ۹۰-در جمع بانوان فرهنگی و معلم- ۲۱ خرداد ۱۳۵۸)

شما معلمین یک شغل بسیار شریف دارید که همان شغل الله است؛ همان شغل انبیاست.... [اما] برای خانم‌ها یک مطلب بالاتر است. و آن مطلب، تربیت اولاد است. شما گمان نکنید که این‌ها که همیشه از مادر بودن و از اولاد داشتن و از تربیت اولاد داشتن، این‌ها تکذیب می‌کنند [بد می‌دانند].. و مطلب را یک مطلب بسیار پایینی می‌گیرند این‌ها غرض صحیح دارند. این‌ها می‌خواهند از این دامن که بچه خوب می‌خواهد در آن تربیت بشود بچه‌ها را از این دامن‌ها دور کنند. بچه‌ها را از همان اول به پرورشگاه‌ها بفرستند، زیردست دیگران، زیردست اجانب بچه‌ها را تربیت کنند. آن‌ها می‌خواهند انسان درست نشود. دامن‌های شما دامن‌هایی است که انسان درست می‌کند. این‌ها می‌خواهند بچه‌های شما را از اینجا نگذارند با شما باشند و نگذارند انسان درست بشود.

بچه‌هایی که از دامن مادر جدا شده‌اند و در پرورشگاه‌ها رفتند، این‌ها چون پیش اجنبی هستند و محبت مادر ندیده‌اند، عقده پیدا می‌کنند. این عقده‌ها منشأ همه مفاسدی است، یا اکثر مفاسدی است، که در بشر حاصل می‌شود. این جنگ‌هایی که پیدا می‌شود از عقده‌هایی است که در قلوب این خونخوارها هست. این دزدی‌ها، این خیانت‌ها، این‌ها اکثراً از عقده‌هایی است که در انسان هست. بچه‌های شما را اگر از شما جدا کردند، به واسطه نداشتن محبت مادر، عقده پیدا می‌کنند؛ به فساد کشیده می‌شوند. مأمورند اینها، مأمور بودند این دستگاه [رژیم سابق] به اینکه بچه‌های ما را به فساد بکشند؛ از آن اول نگذارند در یک دامن محبت بزرگ بشود، تربیت بشود تا عقده پیدا بشود.

- بچه‌هایی که از دامن مادر جدا شده‌اند و در پرورشگاه‌ها رفتند عقده پیدا می‌کنند
- این عقده‌ها منشأ همه یا اکثر مفاسدی است که در بشر حاصل می‌شود
- دامن مادر بزرگترین مدرسه و بالاتر از معلمی است

...دامن مادر بزرگترین مدرسه‌ای است که بچه در آنجا تربیت می‌شود. آنچه که بچه از مادر می‌شنود غیر از آن چیزی است که از معلم می‌شنود. بچه از مادر بهتر می‌شنود تا از معلم. در دامن مادر بهتر تربیت می‌شود تا در جوار پدر؛ تا در جوار معلم. [این] یک وظیفه انسانی است، یک وظیفه الهی است، یک امر شریف است؛ انسان درست کردن است.. موظفیم ما که انسان درست کنیم. انسان است که می‌تواند جلوی مفسد را بگیرد، انسان است که به حال مستضعفین نظر دارد، انسان است که از حال مستضعفین متأثر می‌شود..

(صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۹۲-۲۹۴ - سخنرانی در جمع معلمان - ۲۷ مرداد ۱۳۵۸)

فضیلت بانوان در درجه اول از اهمیت است؛ برای اینکه فضیلت بانوان به این بچه‌هایی که در دامن نشانده‌اند سرایت می‌کند. آن مقداری که فضیلت از بانوان سرایت به اطفال و بچه‌ها می‌کند، آن مقدار در مدارس حاصل نمی‌شود. بچه‌ها آن علاقه‌ای که به مادر دارند به هیچ کس ندارند. آن چیزی که از دهان مادر و از زبان مادر می‌شنوند در قلبشان ثابت می‌ماند. در جاهای دیگر به اینطور ثبوت ندارد؛ نقش نمی‌بندد. اگر مادرها مادرهای بافضیلت باشند، اولادهای بافضیلت تحویل می‌دهند. اولاد بافضیلت کشور را درست می‌کند. درست شدن کشورها مرهون شماهاست. مرهون شما مادرهاست. خرابی و آبادی کشورها تابع شماهاست. اگر شما به ملت تحویل دادید، بچه‌های بافضیلت بچه‌هایی که از اول در دامن شما خوب بار آمده‌اند، کشور شما آباد می‌شود؛ از دست اجانب نجات خواهد پیدا کرد.

و اگر در دامن شما نگذاشتند بچه‌هایتان بمانند؛ شما را کشاندند به ادارات؛ بچه‌هایتان را به جاهایی که بچه‌نگهداری می‌کنند، بچه‌ها را از خود که جدا کردید، این عقده در او پیدا خواهد شد. بچه‌ای که تحت تربیت مادر نباشد، محبت مادر را نچشد، عقده پیدا خواهد کرد. این عقده‌ها منشأ همه مفسد است. دزدی‌ها از این عقده‌ها پیدا می‌شود؛ آدم‌کشی‌ها از این عقده‌ها پیدا می‌شود؛ خیانت‌ها از این عقده‌ها پیدا می‌شود. این عقده‌ها از این پیدا می‌شود که این بچه لطیف ظریف زود متأثر محتاج به محبت مادر از مادر گرفته بشود، در یک جایی دیگر، پیش یک اشخاصی که اجنبی هستند از این بچه، و معقول نیست که یک نفر اجنبی با این بچه محبتش مثل محبت مادر باشد، آنجا تربیت بشود. این‌ها عقده پیدا می‌کنند. تمام مفسادی که برای یک مملکت پیدا می‌شود، یا اکثر مفساد، از این عقده‌ها پیدا می‌شود. کوشش کردند به اینکه این مسئله را ... عملی‌اش کنند. بچه‌های لطیف و ظریف را از دامن محبت مادر جدا کنند و در یک جایی تربیت کنند. تربیت‌هایی که خودشان می‌خواهند. اینکه خانم‌ها را بازی می‌دهند می‌گویند که خیر، چرا ما بنشینیم تو خانه تربیت

- درست شدن کشور مرهون شما مادرهاست
- فضیلت بانوان به بچه‌هایشان سرایت می‌کند و اولاد بافضیلت کشور را درست می‌کند
- اگر شما را کشاندند به ادارات، [و] بچه‌هایتان را به جاهایی که بچه‌نگهداری می‌کنند [سپردید]، عقده در او پیدا می‌شود
- این عقده‌ها منشأ همه یا اکثر مفسد است!
- دزدی‌ها، آدم‌کشی‌ها، خیانت‌ها از این عقده‌ها پیدا می‌شود

بچه بکنیم، ما هم باید برویم در جامعه وارد بشویم، ما هم برویم در چه بشویم، این اگر نظر صحیح داشتند، خیلی اشکال نداشت؛ لکن نظر این‌ها نظر فاسد بود. (صحیفه امام، ج ۷، ص ۴۴۵ - ۲ خرداد ۱۳۵۸)

شما بانوان که در این نهضت شرکت داشتید، و خداوند شما را حفظ کند، از این به بعد هم در این نهضت شرکت کنید و این نهضت را به پیش ببرید. و مهم شما این است که اولادها را خوب تربیت کنید. بانوان را آن طور این‌ها می‌خواستند باشند که بچه‌هایشان از آن‌ها جدا باشد، بانوان را بکشند به ادارات؛ نه برای اینکه اداره درست بشود؛ یکی اینکه ادارات را فاسد بکنند، یکی اینکه بچه‌ها را از دامن مادر جدا بکنند؛ و بچه‌ها از اول که در دامن مادر نباشند عقده پیدا می‌کنند و اکثر مفسد از این عقده‌هایی است که بچه‌ها پیدا می‌کنند. شما بچه‌های خودتان را خوب حفظ کنید، بچه‌های خودتان را خوب تربیت کنید. این بچه‌ها هستند که کشوری را نجات می‌دهند. در دامن شما این‌ها اسلامی بار بیایند، در دامن شما این‌ها با فضیلت بار بیایند، با ایمان بار بیایند، تا در این مملکت بتوانند خدمت بکنند. (صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۵۵ - ۱۰ تیر ۱۳۵۸)

از جمله وظایفی که برعهده‌ی زنان در داخل خانه و خانواده است، مسأله‌ی تربیت فرزند است. زنانی که به خاطر فعالیت‌های خارج از خانواده، از آوردن فرزند استنکاف می‌کنند، برخلاف طبیعت بشری و زنانه‌ی خود اقدام می‌کنند. خداوند به این راضی نیست. کسانی که فرزند و تربیت فرزند و شیردادن به بچه و در آغوش مهر و عطوفت بزرگ کردن فرزند را برای کارهایی که خیلی متوقف به وجود آن‌ها هم نیست، رها می‌کنند، دچار اشتباه شده‌اند. بهترین روش تربیت فرزند انسان، این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش پیدا کند. زنانی که فرزند خود را از چنین موهبت الهی محروم می‌کنند، اشتباه می‌کنند؛ هم به ضرر فرزندشان، هم به ضرر خودشان و هم به ضرر جامعه اقدام کرده‌اند. اسلام، این را اجازه نمی‌دهد. یکی از وظایف مهم زن، عبارت از این است که فرزند را با عواطف، با تربیت صحیح، با دل دادن و رعایت و دقت، آن چنان بار بیاورد که این موجود انسانی - چه دختر و چه پسر - وقتی که بزرگ شد، از لحاظ روحی، یک انسان سالم، بدون عقده، بدون گرفتاری، بدون احساس ذلت و بدون بدبختی‌ها و فلاکت‌ها و بلایایی که امروز نسل‌های جوان و نوجوان غربی در اروپا و امریکا به آن گرفتارند، بار آمده باشد. (بیانات مقام معظم رهبری در

اجتماع زنان خوزستان؛ ۱۳۷۵/۱۲/۲۰)

● بچه‌ها از اول که در دامن مادر نباشند عقده پیدا می‌کنند و اکثر مفسد از این عقده‌هایی است که بچه‌ها پیدا می‌کنند

● می‌خواستند بانوان را به ادارات بکشند که بچه‌ها را از دامن مادر جدا کنند [تا عقده پیدا کنند]

● زنانی که به خاطر «فعالیت‌های خارج از خانواده» از آوردن فرزند «جلوگیری می‌کنند خلاف طبیعت بشری و زنانه خود اقدام کرده‌اند؛ خداوند به این راضی نیست!

● زنانی که برای کارهای دیگر، فرزند خود را از پرورش در آغوش مهر مادری محروم می‌کنند، به ضرر «فرزندشان، خودشان و جامعه» اقدام کرده‌اند؛ اسلام این را اجازه نمی‌دهد!

شغل اصلی زن

- شغل اصلی زن، زن خانه بودن است و این تجلیل زن است
- نان درآوردن مطلقاً جزو وظایف زن نیست!
- تایپ، کارمندی و فروشنگی، فعالیت «اجتماعی» نیست!
- زن، فروشنده‌گی سوپرمارکت و کارمندی اداره را بگذار مرد برود بکند
- اشرف کارها در عالم، مادر بودن و تربیت اولاد است
- عنصر اصلی تشکیل خانواده، زن است، نه مرد

... انسانی که می‌تواند منافع این‌ها [مستکبران] را به باد فنا بدهد، آن در دامن فضیلت مادرها تربیت می‌شود. از اینجا شروع می‌شود. مادر و مادر بودن و اولاد تربیت کردن بزرگترین خدمتی است که انسان به انسان می‌کند. این را کوچکش کردند. این را منحطش کردند. این خیانت را به جامعه ما کردند. مادر بودن را در نظر مادرها منحط کردند. در صورتی که اشرف کارها در عالم مادر بودن است و تربیت اولاد. همه منافع کشور ما از دامن شما مادرها تأمین می‌شود. و این‌ها نمی‌خواستند بشود... شماها هستید که می‌توانید مملکت را نجات بدهید با تربیت اولاد. تربیت اولاد را پیش شما کوچک کردند. تربیت اولاد بالاترین چیزی است که در همه جوامع از همه شغل‌ها بالاتر است. هیچ شغلی به شرافت مادری نیست. و این‌ها منحط کردند این را. این خیانت بزرگی است که به ما کردند، و به ملت ما کردند. مادرها را منصرف کردند از بچه داری بچه داری را یک چیز منحطی حساب کردند؛ در صورتی که از دامن همین مادرها مالک اشتر پیدا می‌شود. از دامن همین مادرها حسین بن علی پیدا می‌شود. از دامن همین مادرها اشخاص بزرگ پیدا می‌شوند که یک ملت را نجات می‌دهند. این‌ها این را منحطش کردند... مادرها را [اگر] بتوانند به صورت عروسک در آورند. عروسک! که هیچ کار نداشته باشد به سرنوشت ملت خودش. هیچ کاری به این نداشته باشد که «سرنوشت این ملت باید چه بشود، و من چه نقشی

دارم در سرنوشت این ملت»... (صحیفه امام، ج ۷، ص ۴۴۵ - ۲ خرداد ۱۳۵۸)

شما خانم‌ها به طوری که حالا خودتان می‌گویید معلم هستید؛ دو شغل شریف دارید. شما خانم‌ها دو تا شغل بسیار شریف دارید. یکی شغل تربیت فرزند، که این از همه شغل‌ها بالاتر است. یک فرزند خوب شما اگر به جامعه تحویل بدهید، برای شما بهتر است از همه عالم. اگر یک انسان شما تربیت کنید، برای شما به قدری شرافت دارد که من نمی‌توانم بیان کنم. پس شما یک شغل‌تان این است که بچه‌های خوب تربیت کنید. دامن مادرها دامنی است که «انسان» از آن باید

- اشرف کارها در عالم، مادر بودن و تربیت اولاد است
- هیچ شغلی به شرافت مادری نیست
- همه منافع کشور ما از دامن شما مادرها تأمین می‌شود
- شماها هستید که می‌توانید مملکت را نجات بدهید با تربیت اولاد
- این خیانت بزرگی است که به ملت ما کردند، که مادرها را منصرف کردند از بچه‌داری
- در صورتی که از دامن همین مادرها مالک اشتر پیدا می‌شود

- شغل تربیت فرزند، از همه شغل‌ها بالاتر است
- یک فرزند خوب شما [بانوان] اگر به جامعه تحویل بدهید، برای شما بهتر است از همه عالم!

درست بشود. یعنی اول مرتبه تربیت، تربیت بچه است در دامن مادر؛ و برای اینکه علاقه بچه به مادر بیشتر از همه علایق هست و هیچ علاقه‌ای بالاتر از علاقه مادری و فرزندی نیست. بچه‌ها از مادر بهتر [مسائل] را اخذ می‌کنند. آنقدری که تحت تأثیر مادر هستند، تحت تأثیر پدر نیستند، تحت تأثیر معلم نیستند، تحت تأثیر استاد نیستند. از این جهت بچه‌هایتان [را] در دامن‌تان تربیت اسلامی، تربیت انسانی بکنید تا وقتی تحویل می‌دهید شما این بچه را به دبستان، یک بچه صحیح، اخلاق خوب، آداب خوب؛ آنطور تحویل بدهید.

پس یک شغل، شغل تربیت اولاد است؛ که مع الأسف در آن حکومت طاغوتی این شغل را می‌خواستند از این مادرها بگیرند. تبلیغ کردند به اینکه زن چرا بچه داری بکند... این شغل شریف را منحطش کردند در نظر مادرها؛ برای اینکه می‌خواستند که مادرها از بچه‌ها جدا بشوند، بچه‌ها را ببرند در پرورشگاه‌ها بزرگ کنند؛ مادرها هم علی‌حده بروند یک کارهایی که آن‌ها دلشان می‌خواهد بکنند و بچه در پرورشگاه وقتی که بزرگ بشود، یک بچه‌ای که در دامن مادر بزرگ بشود نیست؛ عقده پیدا می‌کند. وقتی بچه در پرورشگاه و بدون مادر با اجنبی بخواهد سر و کار داشته باشد و محبت مادر از سر او کم بشود، این بچه عقده پیدا می‌کند. بسیاری از این مفسده‌هایی که در جامعه واقع می‌شود، از این بچه‌هایی هستند که عقده دارند؛ از این انسان‌هایی هستند که عقده دارند. مبدأ یک عقده بزرگ، این جدا کردن بچه از مادر است. محبت مادری لازم دارد بچه. بنابراین، این شغل که شغل انبیا است و انبیا هم آمدند برای اینکه انسان درست کنند، این شغل اول شما هست؛ در اول تربیت بچه. و چون شما معلم

هستید،... (صحیفه امام، ج ۸، ص: ۹۰- در جمع بانوان فرهنگی و معلم- ۲۱ خرداد ۱۳۵۸)

در واقع، خانواده را هم زن به وجود می‌آورد و اداره می‌کند؛ این را بدانید. آن عنصر اصلی تشکیل خانواده، زن است، نه مرد. بدون مرد، ممکن است خانواده‌ای باشد. یعنی اگر فرض کنیم در خانواده‌ای، مرد خانواده حضور نداشته باشد، یا از دنیا رفته باشد، زن خانواده اگر عاقل و با تدبیر و خانه‌دار باشد، خانواده را حفظ می‌کند؛ اما اگر زن از خانواده‌ای گرفته شد، مرد نمی‌تواند خانواده را حفظ کند. بنابراین، خانواده را زن حفظ می‌کند. (بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع

زنان خوزستان؛ ۲۰ / ۱۲ / ۱۳۷۵)

شغل اصلی و اولیّه زن، زن خانه بودن است این تحقیر زن هم نیست این احترام زن است، این تجلیل زن است، در خانه است، زن خانه است، محیط خانه را، یعنی آن محل رشد گیاه انسان را، این مرتب می‌کند، آماده می‌کند، مرد هم مخصوص این است که برود بیرون کارهایش را بکند و وسیله تغذیه

● عنصر اصلی تشکیل خانواده، زن است، نه مرد

● بدون مرد ممکن است زن خانواده را حفظ کند، اما بدون زن، مرد نمی‌تواند خانواده را حفظ کند

● شغل اصلی و اولیّه زن، زن خانه بودن است و این تجلیل زن است

● زن، سوگلی خانه است و مرد پادوی خانه

این محیط را فراهم بکند، این جوری است مثل این که دوتا هم اتاقی شما فرض کنید، یکی اتاق را اداره می‌کند، یکی هم برای اینکه این‌ها بالاخره گرسنه می‌مانند غذا می‌خواهند، یکی می‌رود بیرون غذا تهیه می‌کند. به کدام بی‌احترامی شده؟ آنی که در خانواده کارها با اوست؟ همه چیز به او نگاه می‌کند، اوست که این محیط را دارد می‌سازد، او بیشتر احترام پیدا می‌کند، یعنی زن، مرد هم پادویی‌اش را می‌کند وقتی هم پای مسئولیت‌های اجتماعی رسید، پای مبارزه رسید، پای سیاست رسید هر دو باید حاضر بشوند... اما از این محیط اجتماعی و فعالیت سیاسی و این‌ها که گذشتیم به سراغ خانه که رفتیم آنجا سوگلی خانه زن است، پادوی خانه مرد است. (بیانات مقام معظم رهبری در مراسم صیغه عقد، ۶۲/۱۲/۵ - نقش و رسالت

زن، ج ۲، ص ۵۰، انتشارات انقلاب اسلامی)

- نان درآوردن مطلقاً جزو وظایف زن نیست!
- «شغل» غیر از فعالیت «اجتماعی» است که مشترک بین زن و مرد، و وظیفه است
- تایپ، کارمندی و فروشنگی، فعالیت «اجتماعی» نیست!
- زن، فروشنده سوپرمارکت و کارمندی اداره را بگذار مرد برود بکند

یکی از چیزهایی که در دنیا در باور فرهنگ‌های غربی یک چیز مسلم شده - که در دوران طاغوت به فرهنگ‌های نوع فسادانگیز آن‌ها هم کشانده بود- این است که زن اگر چنانچه شغلی در خارج خانه نداشته باشد، از زینتش کم است. این غیر از «فعالیت اجتماعی» است، مسأله «شغل» داشتن است! یعنی به یک «ماشین‌نویسی» قانع بود، به یک کارمندی [در] یک گوشه از ادارات قانع بود. بحث این نبود که می‌خواست در یک «فعالیت اجتماعی» مشارکت کند، بحث این بود که می‌خواست آن هم مثل مردها، یک شغل داشته باشد. اگر فروشنده‌گی یک مغازه یا یک سوپرمارکت را به او می‌دادند هم خوشحال بود. در حالی که ما این را یک فعالیت اجتماعی نمی‌دانیم، آنی که ما می‌گوییم و اسلام می‌گوید که «کار اصلی زن» توی خانه است، آن به این معنا است که کار اصلی زن هنگامی که امرش دائر باشد بین «شوهرداری و بچه‌داری و خانه را جارو پارو کردن» یا «اداره یک سوپرمارکت» برای اینکه «فلان قدر پول در بیاورد»، آن اولی مقدم است، آن اولی شغل زن است. سوپرمارکت را بگذارد مرد برود اداره کند، کارمندی فلان اداره را بگذار مرد برود بکند- هنگامی که صحبت نان در آوردن مطرح است- التفات می‌کنید؟ نان درآوردن از یک کار توی بازار و توی اداره و توی خیابان و توی نمی‌دانم فرض کنید که هر گوشه دیگر، غیر از این است که انسان یک کاری را به عنوان یک «حرکت اجتماعی»، یک کار لازم یک فریضه انجام می‌دهد، این دومی است که محترم است، این دومی است که بین زن و مرد مشترک است. آن اولی - یعنی نان در آوردن زن- جزو وظایف زن مطلقاً نیست!

(بیانات مقام معظم رهبری در مصاحبه پیرامون جایگاه زن در جمهوری اسلامی (۶۳/۱۲/۴) - نقش و رسالت زن، ج ۴، ص ۴، انتشارات

انقلاب اسلامی)

قدرت زن در مدیریت همسران

- «همسر» برای یک مرد بزرگ، کاری را می‌کند که «مادر» برای «یک بچه کوچک»
 - در محاسبات نهایی، زن را قوی‌تر از مرد می‌دانم! این یکی از اسرار خلقت است
 - خانم‌ها بدانند: آقایان تا آخر هم مثل یک «پسر بچه» هستند و باید اداره‌شان کنید
 - زن‌ها می‌توانند با «تدبیر» و با «ظرافت»، مرد را در دست خودشان بچرخانند؛
- این واقعیت قابل اثبات است

بدون شک آنچه در این پنجاه سال روزگار سیاه ایران به دست این رژیم سیاه روی به ملت عزیز ایران بویژه بانوان مظلوم آن گذشت با طرح و نقشه از پیش حساب شده ابرجنایتکاران جهان بوده. ابرجنایتکاران دریافتند که تنها «قشر مذهبی» است که می‌تواند خار راهی در راه استعمار و استثمار آنان باشد. و دیدند که حکم نیم سطری یک مرجع مذهبی مورد علاقه مردم دارای چنان قدرتی است که دولت انگلستان و دربار قدرتمند قاجار را به زانو در آورد؛ و نیز دریافتند که زنان در آن نهضت نقش اساسی را داشتند. و متوجه شدند که در مشروطه و پس از آن نیز زنان بویژه قشر متوسط محروم آنان هستند که می‌توانند با قیام خود، مردان را به میدان بکشند. و احساس کردند که تا این عوامل به قوت خود باقی هستند نقشه‌های آنان نقش بر آب است. (صحیفه امام، ج ۱۶، ص: ۱۹۲ - ۲۵ فوروردین ۱۳۶۱)

مسأله‌ی مادری، مسأله‌ی همسری، مسأله‌ی خانه و خانواده، مسائل بسیار اساسی و حیاتی است.... یعنی شما اگر بزرگترین متخصص پزشکی یا هر رشته‌ی دیگری بشوید، چنانچه زن خانه نباشید، این برای شما یک نقص است. کدبانوی خانه شما باید باشید؛ اصلاً محور این است. اگر بخواهیم تشبیه ناقصی بکنیم، باید به ملکه‌ی زنبور عسل تشبیه کنیم. کانون خانواده، جایی است که عواطف و احساسات باید در آنجا رشد و بالندگی پیدا کند؛ بچه‌ها محبت و نوازش ببینند؛ شوهر که مرد است و طبیعت مرد، طبیعت خام‌تری نسبت به زن است و در میدان خاصی، شکننده‌تر است و مرهم زخم او، فقط و فقط نوازش همسر است حتی نه نوازش مادر؛ باید نوازش ببیند. برای یک مرد بزرگ، این همسر کاری را می‌کند که مادر برای یک بچه‌ی کوچک آن کار را می‌کند؛ و زنان دقیق و ظریف، به این نکته آشنا هستند. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای فرهنگ، اجتماعی زنان؛ ۱۳۷۰/۱۰/۰۴)

این را شما خانم‌ها بدانید، وجود شما آن تحولی را در روحیات مرد به وجود می‌آورد که گاه هیچ عاملی نمی‌تواند آن تحول را ایجاد کند. شما می‌توانید دل مرد را گرم کنید و به او امیدواری به زندگی و شوق ادامه کار بدهید. اصلاً این توان در شما هست که در وجود مرد نیرو بدمید. وجود شما این قدر مهم است. مرد

● ابرجنایتکاران فهمیدند زنان هستند که می‌توانند با قیام خود، مردان را به میدان بکشند

● برای یک مرد بزرگ، «همسر» کاری را می‌کند که مادر برای یک بچه کوچک آن کار را می‌کند؛ و زنان دقیق و ظریف، به این نکته آشنا هستند

● طبیعت مرد، طبیعت خام‌تری نسبت به زن است و در میدان خاصی، شکننده‌تر است و مرهم زخم او، فقط و فقط نوازش همسر است حتی نه نوازش مادرا!

● این حرفی که می‌گویم خواهش می‌کنم مردها نشنوند چون ممکن است بدشان بیاید!

● این حرفی که می‌گوییم خواهش می‌کنم مردها نشنوند چون ممکن است بدشان بیاید!

● شما خانم‌ها این را بدانید آقایان تا آخر هم مثل یک «پسرپچه» هستند و باید اداره‌شان کنید

● زن‌ها بدانند که اگر زنی، عقل و هوشمندی به خرج دهد، مرد را اداره خواهد کرد

● البته با زرنگی و تحکم بدست نمی‌آید، بلکه با ملایمت، خوشرویی و اندکی تحمل؛ خیلی هم لازم نیست تحمّل کند!

● من در محاسبات نهایی، زن را قوی‌تر از مرد می‌دانم

● این یکی از زیبایی‌های طبیعت و از اسرار خلقت است

● مرد هارت و هورتش زیاد است اما..

● زن‌ها می‌توانند با تدبیر و با ظرافت، مرد را در دست خودشان بچرخانند

هم نسبت به زن همین است. حالا مرد گاهی ممکن است مثلاً آخم‌آلود وارد خانه شود. اگر زن قدری عقل و پختگی‌اش بیشتر باشد و از آخم او جا نخورد و لبخند نشان دهد و در مقابل محبت بورزد، یواش یواش با افسوس محبت، می‌تواند گره اوقات تلخی و بداخلاقی مرد را باز کند و ببیند که او چه احتیاج داشت. من این حرفی که می‌گوییم خواهش می‌کنم مردها نشنوند؛ چون ممکن است بدشان بیاید! شما خانم‌ها این را بدانید آقایان تا آخر هم مثل یک پسرپچه هستند و باید اداره‌شان کنید. البته اگر این حرف از زبان ما به گوش مردها برسد، لابد از ما گله خواهند کرد. واقعاً خانم‌ها باید این بچه‌پسری را که حالا ریشش هم بعد از پنجاه، شصت سال زندگی سفید شده اداره کنند. (بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۸۱/۷/۱۱؛

کتاب خانواده، نشر صهبا، ص ۷۰)

زن‌ها بدانند که اگر زنی، عقل و هوشمندی به خرج دهد، مرد را اداره خواهد کرد. درست است که مرد از لحاظ هیكل قوی‌تر است، اما خدای متعال طبیعت زن را طوری آفریده که اگر زن و مرد، طبیعی و سالم باشند و زن عاقل باشد، کسی که در دیگری بیشتر نفوذ دارد، زن است که البته با زرنگی به خرج دادن و رندی کردن و تحکم و زورگویی نمی‌توان به آن رسید. بلکه با ملایمت، استقبال خوب، خوشرویی، یک مقدار تحمل کردن. البته اندکی؛ خیلی هم لازم نیست تحمل کند. که خدای متعال در طبیعت زن، این تحمل را قرار داده است ... زن باید با شوهر خود این‌طور برخورد کند. (خطبه عقد توسط مقام معظم رهبری؛ ۱۳۷۲/۲/۱۹)

من گاهی در بعضی از جلسات عقد که عروس و دامادها پیشم می‌آیند وقتی نصیحت‌شان می‌کنم در خلال حرف‌هایم به این نکته هم اشاره دارم که بعضی حمل بر شوخی می‌کنند؛ من در محاسبات نهایی، زن را قوی‌تر از مرد می‌دانم. اعتقاد این است [که] مرد هارت و هورتش زیاد است، اما آنکه بالاخره در یک مقابله، اگر این مقابله طول بکشد، پیروز خواهد شد زن است؛ یعنی زن بالاخره با روش‌ها و وسایلی که خدای متعال در اختیار و طبیعت او گذاشته، بر مرد غالب می‌شود؛ این یکی از زیبایی‌های طبیعت و از اسرار خلقت است. به مرد استخوان درشت‌تر، قد بلندتر و صدای کلفت‌تر داده‌اند، اما به زن در مقابل این امکانات، لطافت‌های روحی و وسایل نفوذ روی مرد را داده‌اند تا تعادل برقرار شود. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شورای مرکزی جمعیت زنان ۱۳۷۲/۲/۱۵، نقش و رسالت زن، ج ۳، ص ۵۷، دفتر حفظ و

نشر آثار آیت الله العظمی خامنه‌ای)

این رشته‌های بشدت رقیق و نازک اعصاب کودک را فقط سرانگشت ظریف و لطیف مادر است که می‌تواند از هم جدا کند که عقده به وجود نیاید، گره به وجود نیاید؛ هیچ‌کس دیگر نمی‌تواند، یعنی هیچ انسان دیگری که از جنس

زن نباشد نمیتواند؛ این کار، کار زنانه است. یعنی برخی از کارکردها بقدری همراه با ظرافت است که انسان استعجاب می‌کند از قدرت الهی که چطور این توانایی بالا را همراه با ظرافت به زنان عنایت کرده.

من همیشه به دوستان و خویشاوندان و زنان می‌گویم، می‌گویم برخلاف آنچه که معروف است، در بین این دو جنس، آن جنس قوی‌تر زن است. زن‌ها قوی‌تر از مردهایند. زن‌ها می‌توانند با تدبیر و با ظرافت، مرد را در دست خودشان بچرخانند؛ انسان، هم در تجربه این را مشاهده می‌کند، هم با قیاس‌های فکری و عقلی این را می‌تواند اثبات بکند. این واقعیتی است. بله، زن‌هایی هستند که بی‌تدبیری می‌کنند، لذا این کار را نمی‌توانند انجام بدهند؛ اما زنی که اهل تدبیر باشد، مرد را می‌کند رام خودش. این مثل این است که یک نفری بتواند یک شیر درنده را افسار بزند، سوارش بشود؛ این معنایش این نیست که او از لحاظ جسمی از این شیر قوی‌تر است، معنایش این است که توانسته این اقتدار معنوی را به کار ببرد؛ زن‌ها این توانایی را دارند، منت‌ها با ظرافت؛ یعنی ظرافتی که می‌گوییم، تنها ظرافت در ترکیب جسمانی و ساختمان جسمانی نیست، بلکه ظرافت در فکر و اندیشه و تدبیر و دستگاه تصمیم‌گیری است که خدای متعال در زن قرار داده. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته حوزوی و دانشگاهی؛

(۱۳۹۲ / ۰۲ / ۲۱)

- زن‌ها می‌توانند با تدبیر و با ظرافت، مرد را در دست خودشان بچرخانند
- این واقعیت قابل اثبات است
- مثال افسار بر شیر درنده!

اجر زنان بیش از مردان

- اجر زن‌ها بیشتر از مردهاست
- خاطره فراموش‌نشده امام از یک «دختر ایرانی شجاع با روحی بزرگ!»
- عظمت و معنویت این دختر بزرگ را هیچ شاعر و عارفی نمی‌تواند بیان کند!

زن مظهر تحقق آمال بشر است. زن پرورش دهنده زنان و مردان ارجمند است. از دامن زن مرد به معراج می‌رود... زنان در عصر ما ثابت کردند که در مجاهده همدوش مردان بلکه مقدم بر آنانند. زنان ایران، هم مجاهدات انسانی عظیم کرده‌اند و هم مجاهدات مالی... ایثار کردند جواهرات و طلاهایی که دارند، برای مستضعفین، عمده در این امور آن قصد پاک است. خداوند چند آیه برای چند قرص نان که حضرت امیر- سلام الله علیه- و عائله‌اش صدقه دادند، ... چند آیه نازل فرمود. این آیات برای قرص نان نیست، این آیات برای اخلاص، برای آنکه برای خدا بود. ارزش اعمال به معنویات اعمال است. خواهرهای ما که در عصر نهضت شرکت داشتند ارزش اعمال آن‌ها بیشتر بود از ارزش اعمال مردها،

- خواهرهای ما که در عصر نهضت شرکت داشتند ارزش اعمال آن‌ها بیشتر بود از ارزش اعمال مردها
- ارزش اعمال به معنویات اعمال است

آن‌ها با پرده‌های عفاف بیرون آمدند و با پرده عفاف با مردان هم صدا شدند و پیروزی را تحصیل کردند و حالا هم با قصد خالص آنچه که در ایام عمر تهیه کردند برای مستمندان دادند. این ارزش دارد، متمکنین اگر میلیون‌ها بدهند، به قدر ارزش این نیست. (۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۸ - صحیفه امام، ج ۷، ص ۲۴۱)

من وقتی در تلویزیون می‌بینم این بانوان محترم را که اشتغال دارند به همراهی کردن و پشتیبانی کردن از لشکر و از قوای مسلح، ارزشی برای آن‌ها در دلم احساس می‌کنم که برای کس دیگری نمی‌توانم این طور ارزش قائل بشوم. کارهایی که آن‌ها می‌کنند یک کارهایی است که دنبالش توقع اینکه یک مقامی داشته باشند، یا یک پستی را اشغال کنند، یا یک چیزی از مردم خواهش کنند، هیچ این مسائل نیست. بلکه سربازان گمنامی هستند که در جبهه‌ها باید گفت مشغول به جهاد هستند. و ما اگر فایده‌ای از این جمهوری اسلامی نداشتیم الا همین حضور ملت به همه قشرهایش در صحنه و نظارت همه قشرها در امور همه، این یک معجزه‌ای است که جای دیگر من گمان ندارم تحقق پیدا کرده باشد. و این یک هدیه الهی است که بدون اینکه دست‌های بشر در آن دخالت داشته باشند خدای تبارک و تعالی به ما اعطا فرموده است. و ما باید قدر این نعمت را بدانیم؛ و اقتدا کنیم به این زن‌ها و بانوان و بچه‌های پشت جبهه و آن‌هایی که در خود شهرهای مخروبه و نیمه مخروبه حاضرند. ماها باید از این‌ها اخلاق اسلامی و ایمان و توجه به خدا را یاد بگیریم. ماها ممکن است کارهایی که حتی خیلی هم مفید است. برای جامعه بکنیم، لکن برای خودمان مفید نباشد. ممکن است که ماها کارهایی انجام بدهیم که به صلاح جامعه است و جامعه از آن استفاده کند و جامعه را به پیش ببرد، لکن ما را به عقب ببرد؛ و در پیشگاه خدای تبارک و تعالی نه اینکه اجری نبریم، بلکه انحطاط پیدا بکنیم. ما باید به این قشرهای توده مردم که بی‌توقع به کشور خدمت می‌کنند و به همه شما هم دارند خدمت می‌کنند به آن‌ها اقتدا بکنیم و خودمان را اصلاح بکنیم. اگر ما هم آن روحیه را پیدا می‌کردیم، آن وقت کارهایمان همه یک وجهه پیدا می‌کرد.

(صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۲۰۴-۲۸ اسفند ۱۳۵۹)

خانم‌ها، سختی‌هایی که شما از ناحیه شغل همسران متحمل می‌شوید، یک ذره‌اش هدر نمی‌رود؛ پای خدا حساب کنید و پاداش آن را از خدا بخواهید، و خدا پاداش خواهد داد. من همیشه گفته‌ام؛ در این قضایا، اجر خانم‌ها حداقل نیمی از مجموع اجر است. از من می‌پرسند چرا می‌گویید «حداقل»؛ عادلانه، پنجاه درصد، پنجاه درصد، زن و شوهر اجر خدا را تقسیم کنند؛ چرا اجر زن‌ها بیشتر باشد؟ من می‌گویم به خاطر اینکه وقتی مرد کاری انجام می‌دهد، جلوی چشم قرار دارد و همه آن را می‌بینند؛ لذا مقداری ستایش و جانب‌داری و تحسین از

- کارهایی که آن‌ها می‌کنند یک کارهایی است که دنبالش توقع اینکه یک مقامی داشته باشند، یا یک پستی را اشغال کنند، نیست
- سربازان گمنامی هستند
- این یک معجزه‌ای است که جای دیگر من گمان ندارم تحقق پیدا کرده باشد

- چرا اجر زن‌ها بیشتر از مردها باشد؟
- چون کار مرد جلوی چشم است و تحسین مردم را دریافت می‌کند، اما خانمی که در خانه است، کسی نمی‌داند او چه کشیده و چه دارد می‌کشد

مردم دریافت می‌کند، این می‌شود یک مقدار از اجرش؛ اما خانمی که در خانه است، کسی نمی‌داند او چه کشیده و چه دارد می‌کشد، ستایش و کف زدن و هورا کشیدن و صلوات فرستادن، دیگر برای او نیست؛ پس همین اندازه، اجر او بیشتر می‌شود. (کتاب خانواده، نشر صهبا، ص ۱۱۴)

در نهضتی که ملت ما کردند، همه‌تان ملاحظه کردید که زن‌ها پیشقدم بودند. بلکه فعالیت زن‌ها در این باب ارزشش بیشتر از فعالیت مردها بود؛ برای اینکه همین خواهرها که ریختند در خیابان‌ها و در مقابل توپ و تانک تظاهر کردند و مشت گره کردند، این‌ها مردها را، قدرتشان را دوچندان کرد. وقتی مردها ببینند که خانم‌ها آمدند در مقابل توپ و تانک، آن‌ها بیشتر اقدام می‌کنند. و ما دیدیم که این خواهرها در این نهضت یک سهم بسیار بزرگ داشتند. (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۸۳)

- ۸ مهر ۱۳۵۸

ما باید امروز که روز زن است و به حقیقت در ایران عزیز روز زن است، به زنان خویش افتخار نماییم. چه افتخاری بالاتر از این که زنان بزرگوار ما در مقابل رژیم ستمکار سابق، و پس از سرکوبی آن، در مقابل ابر قدرت‌ها و وابستگان آنان در صف اول ایستادگی و مقاومت از خود نشان داده‌اند که در هیچ عصری چنین مقاومتی و چنین شجاعتی از «مردان» ثبت نشده است. مقاومت و فداکاری این زنان بزرگ در جنگ تحمیلی آنقدر اعجاب آمیز است که قلم و بیان از ذکر آن عاجز، بلکه شرمسار است. این جانب در طول این جنگ صحنه‌هایی از مادران و خواهران و همسران عزیز از دست داده دیده‌ام که گمان ندارم در غیر این انقلاب نظیری داشته باشد.

و آنچه برای من یک خاطره فراموش نشدنی است- با اینکه تمام صحنه‌ها چنین است- ازدواج یک دختر جوان با یک پاسدار عزیز است که در جنگ هر دو دست خود را از دست داده و از هر دو چشم آسیب دیده بود. آن دختر شجاع با روحی بزرگ و سرشار از صفا و صمیمیت گفت: «حال که نتوانستم به جبهه بروم، بگذار با این ازدواج دین خود را به انقلاب و به دینم ادا کرده باشم.» عظمت روحانی این صحنه و ارزش انسانی و نغمه‌های الهی آنان را نویسندگان، شاعران، گویندگان، نقاشان، هنرپیشگان، عارفان، فیلسوفان، فقیهان و هر کس را که شماها فرض کنید، نمی‌توانند بیان و یا ترسیم کنند. و فداکاری و خداجویی و معنویت این دختر بزرگ را هیچ کس نمی‌تواند با معیارهای رایج ارزیابی کند. و این روز مبارک، روز این زن و این زن‌هاست- که خدایشان برای اسلام و ایران و عظمت آن پایدار نماید. (صحیفه امام، ج ۱۶، ص: ۱۹۲ - پیام به ملت ایران به مناسبت روز زن - ۲۵ فروردین ۱۳۶۱)

● ارزش فعالیت زن‌ها بیشتر از مردها بود

● خاطره فراموش نشدنی امام از یک «دختر ایرانی شجاع با روحی بزرگ!»

● عظمتش را نویسندگان، شاعران، گویندگان، نقاشان، هنرپیشگان، عارفان، فیلسوفان، فقیهان و هر کس را که شماها فرض کنید، نمی‌توانند بیان و یا ترسیم کنند!

- حضرت زهرا(س) چگونه می‌تواند الگوی یک دختر جوان باشد؟
- او خانمی است که در خانه نشسته، و شوهرش مرتب در جبهه

سوال یک دختر دانشجو در جلسه با مقام معظم رهبری: «ما چگونه میتوانیم از زندگانی حضرت زهرا علیها سلام الگو بگیریم؟» پاسخ: ... نمونه بعد، مسأله همسررداری و شوهررداری است. یک وقت انسان فکر می‌کند که شوهررداری، یعنی انسان در آشپزخانه غذا را بپزد، اتاق را تر و تمیز و پتو را پهن کند و مثل قدیمی‌ها تشکچه بگذارد که آقا از اداره یا از دکان بیاید! شوهررداری که فقط این نیست. شما ببینید شوهررداری فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها چگونه بود. در طول ده سالی که پیامبر در مدینه حضور داشت، حدود نُه سالش حضرت زهرا و حضرت امیرالمؤمنین علیهما السلام با همدیگر زن و شوهر بودند. در این نُه سال، جنگ‌های کوچک و بزرگی ذکر کرده‌اند - حدود شصت جنگ اتفاق افتاده - که در اغلب آن‌ها هم امیرالمؤمنین علیه‌السلام بوده است. حالا شما ببینید، او خانمی است که در خانه نشسته و شوهرش مرتب در جبهه است و اگر در جبهه نباشد، جبهه لنگ میماند - این قدر جبهه وابسته به اوست - از لحاظ زندگی هم وضع روبه‌راهی ندارند؛ همان چیزهایی که شنیده‌ایم: «و يطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و اسیراً ائماً نطعمکم لوجه الله» (3)؛ یعنی حقیقتاً زندگی فقیرانه محض داشتند؛ در حالی که دختر رهبری هم هست، دختر پیامبر هم هست، یک نوع احساس مسؤولیت هم می‌کند. ببینید انسان چقدر روحیه قوی می‌خواهد داشته باشد تا بتواند این شوهر را تجهیز کند؛ دل او را از وسوسه اهل و عیال و گرفتاری‌های زندگی خالی کند؛ به او دلگرمی دهد؛ بچه‌ها را به آن خوبی که او تربیت کرده، تربیت کند. حالا شما بگویید امام حسن و امام حسین علیهما السلام، امام بودند و طینت امامت داشتند؛ زینب علیها سلام که امام نبود. فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها او را در همین مدت نُه سال تربیت کرده بود. بعد از پیامبر هم که ایشان مدت زیادی زنده نماند. این‌طور خانه‌داری، این‌طور شوهررداری و این‌طور کدبانویی کرد و این‌طور محور زندگی فامیل ماندگار در تاریخ قرار گرفت. آیا این‌ها نمی‌تواند برای یک دختر جوان، یک خانم خانه‌دار یا مُشرف به خانه‌داری الگو باشد؟ این‌ها خیلی مهم است. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار

جمعی از جوانان؛ ۱۳۷۷/۰۲/۰۷)

اسلام به معنای واقعی زن را تکریم کرده است. اگر روی نقش مادر و حرمت مادر در درون خانواده تکیه می‌کند، یا روی نقش زن و تأثیر زن و حقوق زن و وظایف و محدودیت‌های زن در داخل خانواده تکیه می‌کند، به‌هیچ‌وجه به معنای این نیست که زن را از شرکت در مسائل اجتماعی و دخالت در مبارزات و فعالیت‌های عمومی مردم منع کند. عده‌ای بد و یا کج فهمیدند؛ یک عده‌ی مغرض هم از این کج‌فهمی استفاده کردند؛ کأنه یا باید زن، مادر خوب و همسر خوبی باشد یا باید در تلاش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی شرکت کند؛ قضیه این‌طوری نیست؛ هم باید مادر خوب و همسر خوبی باشد، هم در فعالیت اجتماعی شرکت کند.

فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) مظهر چنین جمعی است؛ جمع بین شئون مختلف. زینب کبری نمونه‌ی دیگر است. زن‌های معروف صدر اسلام و زن‌های برجسته، نمونه‌های دیگرند؛ این‌ها در جامعه بودند و حضور داشتند. (بیانات مقام معظم رهبری در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا(س)؛ ۵/ ۵/ ۱۳۸۴) البته کارمندی، ماشین‌نویسی، فروشنگی یک مغازه، این‌ها را ما فعالیت اجتماعی نمی‌دانیم (۶۳/۱۲/۴- نقش و رسالت زن، ج ۵، ص ۴، انتشارات انقلاب اسلامی؛ نقل به مضمون)

البته این را هم عرض بکنیم؛ شعارها و بافته‌های ذهنی غربی‌ها در مورد زن، هیچ نتوانسته جلوی ظلمی را که در خانواده و بیرون خانواده در طول تاریخ به زن‌ها میشده - که هنوز هم میشود - بگیرد. اگر فرض کنیم بشود در جامعه‌ای از مظلومیت زنان - که این مظلومیت هم یک علل طبیعی و قهری دارد - جلوگیری کرد، فقط در سایه‌ی اخلاق و قانون و تهذیب و تہذب مردان است. اما امروز در غرب مطلقاً از این خبری نیست. آزار زنان، فشارهای گوناگون جسمانی و آزارهای روحی بر زنان در غرب، آمارهایی که الان دارند میدهند، بمراتب از کشور خود ما و از جاهائی که ما اطلاع داریم، بیشتر است. بنابراین جلوی آن مشکل را هم نتوانستند بگیرند، از این طرف هم این همه ضایعه ایجاد کردند. (بیانات مقام معظم رهبری

در دیدار بانوان نخبه در آستانه‌ی سالروز میلاد حضرت زهرا(س)؛ ۱۳/ ۴/ ۸۶)

● رفع مظلومیت زن فقط در سایه‌ی «اخلاق» و «قانون» و «تهذیب و تہذب مردان» است

۲- دامن مادر مبدأ خیرات و شرور / آن چیزی که در بچگی از مادر میشوند یا میبینند، آن نقش می‌بندد در قلبش؛ و تا آخر! همراهش هست! / این یک مطلب بسیار بزرگی است که از مادرها می‌آید. و از کس دیگر نمی‌آید / آنقدری که بچه از مادر چیز می‌شنود از پدر نمی‌شنود (ص ۶)

۳- اگر در دامن مادر، که بالاترین محل تربیت است، بچه خوب از کار درآمد، این تا آخر به همان تربیت بچگی که شده باقی می‌ماند! - مگر یک عوامل بسیار قویای او را برگرداند / زیرا علاقه‌ای که بچه به مادر دارد به هیچ کس ندارد و حرف مادر نقش می‌شود در مغزش (ص ۷)

۱- شغل تربیت فرزند، از همه شغلها بالاتر است / تأثیر «مادر» بیشتر از پدر، معلم و استاد (ص ۶)

مادر پایه بهشتی شدن انسانها

۵- بانوان محترم! مسئولیت همه / مادرها بیشتر مسئول هستند / شرافت مادری از شرافت پدری بیشتر است / تأثیر مادر هم در روحیه اطفال از تأثیر پدر بیشتر است (ص ۸)

۴- تمام آرزوهای بچه خلاصه می‌شود در «مادر»، چون به هیچکس آن علاقه را ندارد / بچه همه چیز را در «مادر» می‌بیند؛ «حرف»، «خلق» و «عمل» مادر در بچه‌ها اثر دارد / مسئول افعال و اعمال بچه‌ها هم شما هستید (ص ۷)

۷- باید کاری بکنیم که بچه‌ها دست مادر را حتماً بوسند؛ اسلام دنبال این است / در صورت محترم بودن زن در محیط خانواده، بخش مهمی از مشکلات جامعه حل خواهد شد (ص ۹)

۶- همه تحت تأثیر مادران هستند / آنکه بهشتی میشود، پایه بهشتی شدنش از مادر است؛ الجنة تحت اقدام الأمهات (ص ۹)

زن، مبدأ «همه» خیرات

۱- مربی انسانها زن است / زن مبدأ همه خیرات است / ما نهضت خودمان را مرهون زنها می‌دانیم. مردها به تبع زنها در خیابانها می‌ریختند / زنها مردان را تشویق می‌کردند (ص ۹)

۲- در نهضت ما زنها پیشقدم بودند / ارزش فعالیت زن‌ها بیشتر از مردها / وقتی خواهرها مشت گره کردند و ..، اینها قدرت مردها را دوچندان کرد (ص ۱۰)

۳- این خانمها بودند که وقتی به خیابانها ریختند و فریاد زدند، مردها را تشویق کردند و قدرت‌های آنها را چند مقابل کردند / شما علاوه بر اینکه خودتان را قدرتمند کردید، دیگران را هم قدرتمند کردید (ص ۱۰)

۴- ابرجنایت کاران فهمیدند زنان هستند که می‌توانند با قیام خود، مردان را به میدان بکشند (ص ۱۰)

۵- زنها هستند که ملت‌ها را تقویت و شجاع می‌کنند / عنایت اسلام به بانوان بیش از مردان است (ص ۱۰)

۶- شما خواهران اسباب این شدید که برادرها هم جرات پیدا بکنند (ص ۱۱)

۷- بعضی از جوانها به من می‌گفتند که عکس العمل این مادرهای جوان مرده ما را گرم نگه داشته و به ما شجاعت می‌دهند / اینها هستند که ما را تشویق می‌کنند (ص ۱۱)

۸- زنان نیمی از جمعیت کشورند؛ اما تأثیرشان در سرنوشت این کشور، بیش از تأثیر نیمی از کل جمعیت است / زن تنها خود به راهی نمی‌رود، مردها را در آن راه می‌برد (ص ۱۱)

۹- غالباً مادران شهدا را قوی‌تر از پدران شهدا دیده‌ام (ص ۱۱)

۱- شما اثبات کردید که مقدم بر مردها هستید/ مردها از شما الهام گرفتند/ شما تربیت کننده مردها هستید/ آنقدر که اسلام به شما احترام قائل است، برای مردها نیست (ص ۱۲)

۲- نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است/ خدمت مادر به جامعه از خدمت همه کس بالاتر است (ص ۱۲)

۳- صلاح و فساد یک جامعه، از صلاح و فساد زنان در آن جامعه سرچشمه می‌گیرد (ص ۱۳)

سعادت و شقاوت کشورها به دست زنان

۴- سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است/ زن یک انسان بزرگ و مربی جامعه است/ مرحله اول مرد و زن صحیح، از دامن زن است (ص ۱۳)

۵- بانوان، رهبر نهضت ما هستند، ما دنباله آنها هستیم/ من شما [بانوان] را به رهبری قبول دارم (ص ۱۳)

۶- کلید حل مشکل در دست زنان است، لذا گفتند بهشت در زیر قدم مادران است/ اگر شما زنها خوب شدید، هم مردها خوب می‌شوند، هم بچه‌ها/ کلید تداوم انقلاب دست شما زنهاست (ص ۱۴)

۷- نقش زنان حساس‌ترین، ظریف‌ترین، ماندگارترین و مؤثرترین نقش‌ها در حرکت تاریخ انسان و در سیر بشریت به سوی کمال است/ خدا زن را این‌گونه آفریده (ص ۱۴)

۷- عنایتی که اسلام به بانوان دارد بیشتر از عنایتی است که بر مردان دارد/ زنها بیش از مردان بر ملت‌ها حق دارند/ «قرآن» انسان‌ساز است و «زنها» نیز انسان‌سازند (ص ۱۴)

۱- بچه‌ای که از مادرش جدا شد، پیش هر که باشد، عقده پیدا می‌کند/ عقده که پیدا کرد، مبدأ بسیاری از مفاسد می‌شود / محبت مادری لازم دارد بچه/ شغل مادر همان شغل انبیاست، این شغل بزرگ را در نظر مادرها کوچک کردند (ص ۱۵)

۲- بچه‌ای که در پرورشگاه بزرگ شود، عقده پیدا می‌کند/ مبدأ یک عقده بزرگ، جدا کردن بچه از مادر است/ محبت مادری لازم دارد بچه (ص ۱۵)

۳- بچه‌هایی که از دامن مادر جدا شده‌اند و در پرورشگاه‌ها رفتند عقده پیدا می‌کنند/ این عقده‌ها منشأ همه یا اکثر مفاسدی است که در بشر حاصل می‌شود/ دامن مادر بزرگترین مدرسه و بالاتر از معلمی است (ص ۱۶)

کعبه محبت مادری، منشأ اغلب مفاسد عالم

۴- درست شدن کشور مرهون شما مادرهاست/ فضیلت بانوان به بچه‌هایشان سرایت می‌کند و اولاد با فضیلت کشور را درست می‌کند/ اگر شما را کشاندند به ادارات، [و] بچه‌هایتان را به جاهایی که بچه نگهداری می‌کنند [سپردید]، عقده در او پیدا می‌شود/ این عقده‌ها منشأ همه یا اکثر مفاسد است! / دزدی‌ها، آدم‌کشی‌ها، خیانت‌ها از این عقده‌ها پیدا می‌شود (ص ۱۷)

۵- بچه‌ها از اول که در دامن مادر نباشند عقده پیدا می‌کنند و اکثر مفاسد از این عقده‌هایی است که بچه‌ها پیدا می‌کنند/ می‌خواستند بانوان را به ادارات بکشند که بچه‌ها را از دامن مادر جدا کنند [تا عقده پیدا کنند] (ص ۱۸)

۶- زنانی که به خاطر «فعالیت‌های خارج از خانواده»، از «آوردن فرزند» جلوگیری می‌کنند خلاف طبیعت بشری و زنانه خود اقدام کرده‌اند؛ خداوند به این راضی نیست! / زنانی که برای کارهای دیگر، فرزند خود را از پرورش در آغوش مهر مادری محروم می‌کنند، به ضرر «فرزندشان، خودشان و جامعه» اقدام کرده‌اند؛ اسلام این را اجازه نمی‌دهد! (ص ۱۸)

۱- اشرف کارها در عالم، مادر بودن و تربیت اولاد است/ هیچ شغلی به شرافت مادری نیست / همه منافع کشور ما از دامن شما مادرها تأمین می‌شود/ شماها هستید که می‌توانید مملکت را نجات بدهید با تربیت اولاد/ این خیانت بزرگی است که به ملت ما کردند، که مادرها را منصرف کردند از بچه‌داری/ در صورتی که از دامن همین مادرها مالک اشتر پیدا می‌شود (ص ۱۹)

۲- شغل تربیت فرزند، از همه شغلها بالاتر است/ یک فرزند خوب شما [بانوان] اگر به جامعه تحویل بدهید، برای شما بهتر است از همه عالم! (ص ۱۹)

۳- عنصر اصلی تشکیل خانواده، زن است، نه مرد/ بدون مرد ممکن است زن خانواده را حفظ کند، اما بدون زن، مرد نمی‌تواند خانواده را حفظ کند (ص ۲۰)

شغل اصلی زن

۵- نان درآوردن مطلقاً جزو وظایف زن نیست! «شغل» غیر از فعالیت «اجتماعی» است که مشترک بین زن و مرد، و وظیفه است/ تایپ، کارمندی و فروشنگی، فعالیت «اجتماعی» نیست! زن، فروشنده‌گی سوپرمارکت و کارمندی اداره را بگذار مرد برود بکند (ص ۲۱)

۴- شغل اصلی و اولیّه زن، زن خانه بودن است و این تجلیل زن است/ زن، سوگلی خانه است و مرد پادوی خانه (ص ۲۰)

۱- ابرجنایتکاران فهمیدند زنان هستند که می‌توانند با قیام خود، مردان را به میدان بکشند (ص ۲۲)

۲- برای یک مرد بزرگ، «همسر» کاری را می‌کند که مادر برای یک بچه کوچک آن کار را می‌کند؛ و زنان دقیق و ظریف، به این نکته آشنا هستند/ طبیعت مرد، طبیعت خام‌تری نسبت به زن است و در میدان خاصی، شکننده‌تر است و مرهم زخم او، فقط و فقط نوازش همسر است حتی نه نوازش مادر! (ص ۲۲)

۳- این حرفی که می‌گویم خواهش می‌کنم مردها نشنوند چون ممکن است بدشان بیاید! شما خانمها این را بدانید آقایان تا آخر هم مثل یک «پسر بچه» هستند و باید اداره‌شان کنید (ص ۲۲)

قدرت زن در مدیریت همسر

۴- زن‌ها بدانند که اگر زنی، عقل و هوشمندی به خرج دهد، مرد را اداره خواهد کرد/ البته با زرنگی و تحکم بدست نمی‌آید، بلکه با ملایمت، خوشرویی و اندکی تحمل؛ خیلی هم لازم نیست تحمل کند! (ص ۲۳)

۵- من در محاسبات نهایی، زن را قوی‌تر از مرد می‌دانم/ این یکی از زیبایی‌های طبیعت و از اسرار خلقت است/ مرد هارت و هورتش زیاد است اما... (ص ۲۳)

۶- زن‌ها می‌توانند با تدبیر و با ظرافت، مرد را در دست خودشان بچرخانند/ این واقعیت قابل اثبات است/ مثال افسار بر شیر درنده! (ص ۲۳)

۱- خواهرهای ما که در عصر نهضت شرکت داشتند ارزش اعمال آنها بیشتر بود از ارزش اعمال مردها / ارزش اعمال به معنویات اعمال است (ص ۲۴)

۲- کارهایی که آنها می‌کنند یک کارهایی است که دنبالش توقع اینکه یک مقامی داشته باشند، یا یک پستی را اشغال کنند، نیست/ سربازان گمنامی هستند/ این یک معجزه‌ای است که جای دیگر من گمان ندارم تحقق پیدا کرده باشد (ص ۲۵)

۳- چرا اجر زن‌ها بیشتر از مردها باشد؟ چون کار مرد جلوی چشم است و تحسین مردم را دریافت می‌کند، اما خانمی که در خانه است، کسی نمی‌داند او چه کشیده و چه دارد می‌کشد (ص ۲۵)

اجر زنان بیش از مردان

۴- ارزش فعالیت زن‌ها بیشتر از مردها بود (ص ۲۶)

۵- خاطره فراموش نشدنی امام از یک «دختر ایرانی شجاع با روحی بزرگ!» / عظمتش را نویسندگان، شاعران، گویندگان، نقاشان، هنرپیشگان، عارفان، فیلسوفان، فقیهان و هرکس را که شماها فرض کنید، نمی‌توانند بیان و یا ترسیم کنند! (ص ۲۶)

۶- حضرت زهرا(س) چگونه می‌تواند الگوی یک دختر جوان باشد؟ / او خانمی است که در خانه نشسته، و شوهرش مرتب در جبهه (ص ۲۷)

۷- رفع مظلومیت زن فقط در سایه «اخلاق» و «قانون» و «تهذیب و تہذب مردان» است (ص ۲۸)